

کارگران امروز

نشریه انتربالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol 6, NO 55, September 1995

سال ششم، شماره ۵۵، شهریور ۱۳۷۴

اعتصابات و اعتراضات خیابانی کارگران فولکس واگن

صفحه ۳



تظاهرات کارگران فولکس واگن آلمان

اتحادیه های انگلیس مبارزه برای کاهش ساعت کار هفتگی را از سر میگیرند

کارفرمایی است که هنوز ۳۷ ساعت کار در سالهای اخیر بوده است. در آن زمان کنفرانسیون اتحادیه های کشتی سازی و مهندسی این کمپین را در در دست داشتند. در سال ۱۹۹۲ بیش از یک میلیون کارگر کمپانی به کاهش ساعت کار از ۳۹ ساعت بود. شروع این کمپین را هفته گذشته اتحادیه آی‌ای‌پیو "مهندنسی در کنفرانس سراسری خود اعلام کرد. مبارزه برای هفتگی کار کوتاه شد. اما اولین هدف کنفرانسیون از میدان پدر بردن آن

در سالهای اخیر بوده است. در آن زمان کنفرانسیون اتحادیه های کشتی سازی و مهندسی این کمپین خود برای "هفته کار کوتاه تر" را از سر گرفته اند. این نشانه بازگشت به کاری ناتمام است که بخاطر بحران قطع شده بود.

ای‌ای‌پیو" مهندسی در کنفرانس سراسری خود اعلام کرد. مبارزه برای هفتگی کار کوتاه شد. اما اولین هدف کنفرانسیون از موقعاً ترین کمپنهای اتحادیه ای

صدها هزار کارگران بخش دولتی ترکیه وارد اعتضاب شدند

"تُرک ایش" کنفرانسیون اتحادیه های ترکیه که سازمان دهنده این اعتضاب است خواستار موافقت دولت با خواست افزایش دستمزدها متناسب با تورم است. سخنگوی کارگران آب و برق که بزرگترین گروه درگیر در این اعتضاب است هشدار داد که اگر دولت موضع خود را عرض نکند و خواستهای کارگران را نپذیرد اقدامات خشن تری در دستور قرار خواهد گرفت. اتحادیه کارگران ساختمانی نیز اعلام کرده است که به اعتضاب میپیوندند. *

اعتضاب کارگران بخش دولتی، اکثریت کارگران این بخش را که شصده هزار نفرند را در بر میگیرد. وزیر کشور ترکیه اعلام کرده که این اعتضاب غیر قانونی است و به کارگران هشدار داد. اما علیرغم این، اعتضاب با پیوستن بخششای بیشتری از کارگران هشدار داد. اما اکنون هشدار داد. درگیر در این اعتضاب است هشدار داد که اگر دولت موضع خود را عرض نکند و خواستهای کارگران را نپذیرد اقدامات خشن تری در دستور قرار خواهد گرفت. اتحادیه کارگران ساختمانی نیز اعلام کرده است که به اعتضاب میپیوندند. *

بحران مالی در سازمان جهانی کار

"آی‌آل او" (سازمان جهانی کار) با بحران مالی رویورست. دولت آمریکا تهدید کرده است که حق عضویت خود به این سازمان را کاهش خواهد داد. کمیته بودجه این سازمان با بودجه ای بدون رشد بالغ بر ۵۷۹ میلیون دلار برای سال ۱۹۹۱ موافقت کرد اما آمریکا که یک چهارم بودجه های "آی‌آل او" را تأمین میکنند علیه این بودجه رای داد.

بنابراین آمریکا اگر واشنگتن با بودجه هر کدام از ارگانهای سازمان ملل مخالفت کند میتواند کمک خود به این سازمان را تا بیست درصد کاهش دهد. دولت آمریکا که از کمک به آی‌آل او فشار است که از کمک به این سازمان سنا زیر خودداری کند هشدار داده است که در بودجه آمریکا به این سازمان کاهش زیادی صورت خواهد داد.

ذهبیت واژگونه "تقابل شورا و سندیکا":

از کشفیات کنگره چهارم حزب کمونیست ایران صفحه ۱۰

بقیه در صفحه ۳

تحصن کارگران بنز خاور برای افزایش دستمزد

اما کارگران علیرغم تهدیدهای آنان به تحصن خود ادامه دادند و بر خواستهای خود پاسخگویی کردند. بدنبال تحصن کارگران، نیروهای نظامی و انتظامی کارخانه را محاصره کردند و راه های ورودی و خروجی کارخانه را شدید کنترل کردند. در پایان پس از آنکه مدیر کارخانه در جمع کارگران حاضر شد و با خواستهای آنها موافقت کرد کارگران در روز ۴ مرداد به تحصن خود پایان دادند.

بقیه در صفحه ۲

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران بنز خاور طی روزهای ۳۱ تیر تا ۴ مرداد دست به تحصن زدند و خواهان افزایش دستمزد شدند. پرداخت هزینه نهار، بهبود شرایط کار و پرداخت پاداش سالانه که پرداخت آن از شهریور سال گذشته متوقف شده بود از دیگر خواستهای کارگران بود. به گزارش روزنامه سلام، بدنبال تحصن کارگران، نمایندگان وزارت کشور و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به محل کارخانه آمدند و از کارگران خواستند تا به تحصن خود پایان دهند.

کارگران کارخانه چوب اسلام در اعتراض به اخراج و تعویق پرداخت دستمزدها دست به اعتضاب زدند

کارگران کارخانه چوب اسلام در اعتراض به اخراج و تعویق پرداخت دستمزدها دست به اعتضاب زدند. ملی نیز ناچار شد اعلام کند که قرارداد فروش کارخانه به بخش خصوصی را بطور یکجانبه فسخ کرده است. کارخانه چوب اسلام یکی از بزرگترین کارخانه های چوب برقی، تولید تخته سه لا و نتویان ایران است و خبر این اعتضاب در بین مراکز دیگر کارگری انعکاس وسیعی داشت و در روزنامه های دولتی نیز منعکس گردید. *

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران کارخانه چوب اسلام روز ۲۲ مرداد در اعتضاب و تعویق دستمزدان دست به اعتضاب و تعویق زدند و نزدیک به پانصد نفر از آنها ساعتها جاده اسلام به رشت را بستند و مانع رفت و آمد اتومبیلها شدند. بعلاوه، کارگران به مدیریت که با فروش مالین آلات کارخانه تعدادی را بیکار کرده بود اعتراض کردند. پس از دو روز اعتضاب و تحصن مدیریت با خواستهای

کارگران ارتباطات راه دور هندوستان اعتسابی نا محدود را آغاز کردند

کارگران ارتباطات راه دور هندوستان روز ۱۹ ژوئن یک اعتضاب نامحدود سراسری را در مخالفت با طرح دولت برای دعوت از رقابت بخش خصوصی و خارجی در صنعت مخابرات و ارتباطات راه دور دولتی هند آغاز کردند. رهبران سه اتحادیه ارتباطات راه دور هند اما گرفند که اعتضاب از حمایت یکپارچه ۴۵ هزار کارگر بخش ارتباطات راه دور وفادار به دولت در بسیاری از بخش‌های ارتباطات خدمات را برقرار نگه خواهند داشت. دولت در نظر دارد در صورت ادامه اعتضاب سریازان را برای ادامه خدمات به خدمت گیرد. وزیر ارتباطات قطع شده است. اعتضاب سریازان هند روز ۲۳ ژوئن به کارگران هشدار داد که در صورتی که با اعتضاب خود بخواهند مانع خصوصی سازی شوند همگی اخراج بخواهند شد. اما علیرغم این تهدیدها کارگران به اعتضاب خود ادامه میدهند. *

کارگران ارتباطات راه دور هندوستان روز ۱۹ ژوئن یک اعتضاب نامحدود سراسری را در مخالفت با طرح دولت برای دعوت از رقابت بخش خصوصی و خارجی در صنعت مخابرات و ارتباطات راه دور دولتی هند آغاز کردند. رهبران سه اتحادیه ارتباطات راه دور هند اما گرفند که اعتضاب از حمایت یکپارچه ۴۵ هزار کارگر بخش ارتباطات راه دور وفادار به دولت در بسیاری از بخش‌های ارتباطات خدمات را برقرار نگه خواهند داشت. دولت در نظر دارد در صورت ادامه اعتضاب سریازان را برای ادامه خدمات به خدمت گیرد. وزیر ارتباطات هند روز ۲۳ ژوئن به کارگران هشدار داد که در صورتی که با اعتضاب خود بخواهند مانع خصوصی سازی شوند همگی اخراج بخواهند شد. اما علیرغم این تهدیدها کارگران به اعتضاب خود ادامه میدهند. *

متن سخنرانی رضا مقدم در سمینار کارگر امروز

تشکل مستقل کارگری چیست؟

صفحه ۱۲

در روسیه هیولای نشولپیرالیسم در آزمایش است

نیتیجه ویران کننده برنامه دولت،
آزاد گذاشتن نرخها، خصوصی کردن و
فروختن شرکتهای دولتی و در نتیجه
کاهش سراسم آور هزینه هایش، نه
نتها علیه مردم بود، بلکه صنعت بزرگ
«شروعی» را به مخاطره انداخته است.
هم تولید نا خالص ملی کاهش یافت و
هم بودجه بیمارستانها و مراکز درمانی
از ۳ درصد به $1/4$ درصد آن رسید.
کاهش بودجه مراکز درمانی تا حدی
کاهش یافته است که دیگر سلامتی
مردم مدعی نظر نیست و بیماریهای واگیر
و مسری غوغایی کند و همه جا را فرا
گرفته است. دیفتری، وبا، فلج اطفال و
سل عادی شمرده میشود. در گذشته
دارو برای افراد بی بضاعت رایگان بود.
ولی حال به کسانیکه از همه بی
بضاعت تر هستند، کوین دارو داده می
شود. و چون داروخانه ها برای سود
بیشتر داروها را در بازار آزاد بفروش
می رسانند برای مردم محروم دارویی
باقی نمی ماند.

کمونیستهای قدیمی؟ اتحادیه های کارگری شوروی توسط
ونیستهای قدیمی رهبری می شوند؟ ریس کاگارلیستکی "نایندگان انتخاب
ه" مورد اعتماد را به ۳ گروه، تقریباً
قدرت یکسان، تقسیم می کند.
ایندگان مورد اعتماد عوض نشده اند.
گروهی داریم که قبل از پروستیرکا"
شدن و گروهی در ایام خود "پروستیرکا".
گروهی بعد از کودتای نافرجام
به ما ملحق شدند. این بدان ۱۹۹
نمایندگان نیست که آنها یکی که به اقتضای
رورت به ما ملحق شدند و از همه
مرگونیهای سیاسی و اجتماعی جان
للم بدر برده اند، از همه بدترند.
چه که ما در شوروی دیدیم آزمایش
سولا مانندی بود از تمام رفرمهای
ولیبرالیسم. بدون استثناء و صد درصد
ولیبرالیسم نقش بر آب شد و شکست

۹ صفحه از بقیه

یادداشت‌هایی درباره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست

نمایندگان بیشتری از کارگران تقویت شود -

اکثریت با کارگران باشد.

- برای تصویب سیاست کارگری و رادیکال در کمیته و شوراهای باید اکثریت کارگری حاصل شود.

- اگر انجمنهای محلی از بالا تشکیل شد آلترناتیو شورا زنده نگاهداشته شود تا انجمنها متنزه و عمل متحل گردند.

بحث تشکیل دولت موقت از جانب اپوزیسیون سراسری و جبهه کردستانی است.

- در پرخورد به دولت موقت قرار شد -

تبیخ آلترناتیو توهه ای - شورا، ۲ - در خالت در امور اجرایی و اداره امو کار و زندگی در کارخانه و محلات - در این رابطه احتیاج به بررسی مشخص هست.

دوستان می گویند دولت موقت دست نشانده آمریکا خواهد بود.

- و بالاخره ارتباط سراسری و تشکیل کمیته عماهنگ سراسری. نشست ما نصف شب به پایان رسید.

اویل: شوراهای گسترش می یابند. پارتی

(حزب دمکرات کردستان عراق) گفته موافق شوراست تا بدبونی سیله مخالفت خود را با پزشگترين حزب جي بهه که قدرت را قبضه کرده اعلام کند. حزب شیوعی غیر رسمي اعلام کرده موافق شوراست اما چون در جي بهه است رسمي نمی تواند موضوع گيری کنند. در کرکوک هم مردم گفته اند نيم گذازيم جي بهه خود را تعجیل کند. *

از هر چیز مطالبات اجتماعی دارند.
کارگر تحت ستم سرمایه دار، زن
سرکوب شده توسط قیود اسلامی،
کوکی فراموش شده ای که در کارهای
ساختمانی و قالیبافی جان می کند،
همگی دارای مطالبات اجتماعی
هستند، مستقل از اینکه قدرمندان
کرد یا عرب هستند.
مبارزه ملی بر نابرابری های اجتماعی
سرویش می گذارد، مبارزه ملی کسب
قدرت توسط سرکوبگران "خودی" را در
دستور روز می گذارد.
در کردستان جنبش ملی هنگامی
ممکن شد، که اکثریتی از مردم از
مناقع اجتماعی خود صرفنظر کردند.*

تفاکیت محلی شوداییس (کارخانه ها و محلات) — تلاش برای کمک به معیشت مردم گرسته از طریق خرد و سایل ضروری زمزهای و توزیع در محلات از طریق کمکیته فوق و شوراهای محلات — ایجاد نوفتر بیکاران — کمیته زنان — مرتبط کردن تعاملین و رهبران کارگری و جنبش شورایی محلات — تحویل سلاح به کمیته و شوراهای — کمک به کارگران بازنشسته — ایجاد صندوق تعاملانی — ایجاد شورای کارگران منطقه صنعتی (کارگاههای کوچک تزدیک بهم) — تعبیین خطوط تبلیغی برای فعالین و آرایش درونی خود اینها را با هم و تقسیم کار.

نکات مورد بحث ما: اگر از طرف جبهه به بنده ها حمله شد — در محلات اجتماعات کماکان پر پا نگاهداشته شوند — اگر حمله به شوراهای کارگری ادامه یابد، از محلات کارگری بسیج برای خنثی کردن فرق کارخانه اها و حتی اعتصاب کارگری و تشکیل کمیته اعتصاب — دوستانی که از دسته سایپا جدا شده اند مجدداً به فعالیت پر منی گردند و به اشتباهاشان در مورد جبهه اعتراف می کنند.

و دیگر تصمیمات: بشکل معافی بهم بپیوسته و تقسیم کار بین خود و نوعی کار کمیته ای محلل اصلی و دورنمای کنفرانس و رهبران کارگری شوراهای برای تدارک یک سازمان کارگری کمیته نمایندگان شوراهای باید با

۱۰ صفحه در یکیه

بقیه از صفحه ۶

تاریخ و واقعیت نشان می دهد که می بازد ملی، نابرابری های اجتماعی را بپر طرف نمی سازد، بلکه فقط به سرکوب انسانها توسط حاکمان خود من انجام دارد.

در کردستان برخلاف آنچه که مطبوعات و رسانه های غرب نشان می دهند، مناسبات و روابط سرمایه دارانه حاکم است. نتیجه این واقعیت این است که انسانها در آنجا نیز قبل

لایسیونالیسم کرد و شوونیسم عرب هر دو آتش افروزان آنچا هستند، که حاصل آن گرسنگی و بیکاری است. جنگ خلیج و نظامی گری غرب این جهنم را بیش از پیش غیر قابل تحمل نظر کرده است.

در آنجا جنگ هنوز ادامه دارد. جنگ برای ادامه زندگی، حکام مختلف در منطقه دست بکار هستند. دیر یا زد سناپیوهای جدیدی به نمایش می

درباره ضرورت و چگونگی مبارزه برای تشکیلات مستقل کارگری

رضا مقدم در مصاحیه یا نشریه راه کارگر،

از: نشریه راه کارگر، ارگان سازمان
کارگران انقلابی ایران، شماره ۱۱۶
اردیبهشت ۱۳۷۳

ایا در شرایط کنونی، مبارزه برای ایجاد یک تشکیلات کارگری سراسری میتواند شعر بخش باشد؟ اگر نه، برای سازماندهی مبارزه کارآمد در سطح سراسری چه باید کرد؟

فقدان تشكل سراسری کارگری در ایران
معضل دیرینه ای است. در اکثر
سالهای قرن بیست ایجاد تشكل
سراسری کارگری در صدر اهداف جنبش
کارگری بوده است. برای حل این معضل
دیرینه گرایشات مختلف جنبش کارگری
راهها و روشهای متفاوتی ارائه کرد
اند. من خود را متعلق به گرایش
رادیکال و سوسياليست جنبش کارگری
می دانم که برای ایجاد شوراهای
کارگری متکی بر جنبش مجمع عمومی
فعالیت میکنم. از نظر این گرایش
فعالیت امروز برای گسترش و استحکام
جنبش مجمع عمومی کارگری تلاشی
است برای پی ریزی یک سنگ بنای
اساسی در راه ایجاد شوراهای کارگری
فردا.

در توازن قوای فعلی بین کارگران و رژیم اسلامی، ایجاد شوراهای کارگری سراسری و یا منطقه‌ای از طریق به هم پیوستن شوراهایی که بصرور و در هر تک کارخانه تشکیل شوند، امکان پذیر نیست. زیرا تشکیل شورای کارگری در هر تک کارخانه مورد حمله رژیم واقع میشود و قدرت دفاع از خویش را ندارد و نتیجه آن جز هرز دادر نیروی کارگران نیست. بنابراین تلاش برای ایجاد شوراهای کارگری در حال حاضر باید پایه‌هایی که شوراهای کارگری بر آن بنا میشوند را ایجاد و مستحکم کنند تا در یک تناسب قوای معین و مناسب بین رژیم و کارگران شوراهای کارگری بتوانند بسرعت تشکیل شوند.

توسط دولت و کارفرمایان می گردند.
انتخاب هر هیئت نمایندگی یک رای
عدم اعتماد علني به شوراهای اسلامی

برای بسیج تشکلهای کارگری کشورهای مختلف در حمایت از کارگران ایران رای کسب حق تشکل و اعتراض وجود دارد. برای کسب این دسته از ططالبات عمومی، اگر کارگران گرایشات مختلف مستقل از یکدیگر در حال عالیت هستند، می توانند با هم مکاره، کنند.

هر اندازه که فعالین گرایشات مختلف جنبش کارگری یک کشور بر سواضع خود و اختلافاتشان با دیگر رایشات مسلط و آگاه باشند، همکاری بن آنها ساده تر است. در این میان

نخست مشرک گرفتن حول اینکه "ما
بارگیریم" عقب مانده ترین نوع همکاری
است که اگر سر بگیرد بسرعت از هم
پاشد. واضح است که وقتی هریت
سیاسی و مبارزاتی فعالین یک طرف
بن همکاری تا سطح چند مطالبه عمومی
نارگری تقلیل یافته باشد، هر بخشی
برادران از آن چند مطالبه، پایه های
شکل و یا جمع آنها را می لرزاند.
مانظور که تاکنون مشاهده شده است
لفرهاران این نوع عقب مانده همکاری،
برگاه ابتدایی ترین مباحث در می
آید خود را در مقام سانسورچیان پیدا
سی کنند و درباره مضرات این مباحث
سخن می گویند و خواستار درز گرفتن
آن میشوند.

در زیر سرکوب جمهوری اسلامی،
جنگیش کارگری تا چه حد میتواند از
امکانات مبارزه علی استفاده کند؟

جوab کوتاه دادن به این سؤال برای
من دشوار است. ببینید، جنبش کارگری
یزیران کمتر فرصت داشته است که در
بک شرایط نسبتاً مساعد مبارزه کند،
بنابراین از "مفاهیم حافظتاده" که

ترناتیو در مقابل انها ایجاد کند. انتخاب هیئت های نمایندگی مجمع عمومی در هر اعتراض و مبارزه کارگری اقدامی است که از دخالت شوراهای اسلامی در اختراضات کارگری میکاهد و بعلاوه یک سیما و ترکیبی از فعالین و رهبران اختراضات کارگری در همین شرایط اختناق ایجاد می کند تا در هر تغییر توازن قوا بسرعت دخالت موثر کارگران را در اوضاع سیاسی و اجتماعی تضمین کنند. کارگران با انتخاب یک هیئت نمایندگی در مجمع عمومی، مستقل از شوراهای اسلامی وارد عمل میشوند و مانع برسمیت شناخته شدن شوراهای اسلامی بعنوان تنها سخنگو و نماینده کارگران

بقیه از صفحه ۸

گزارش کنفرانسیون اتحادیه های آزاد بین المللی،

تعریض به حقوق اتحادیه ها در سال ۱۹۹۳

وجود خارجی نداشت علیه اعتصاب وارد عمل شده و پایان آنرا اعلام کرده است. کارگران زیادی در جریان تظاهرات های مسالمت آمیز که در طرفداری از دمکراتی سازمان داده شده بود در جریان حملات پلیس کشته شدند.

"آکوه ادوه آدویوی"، مشاور شورای مرکزی کارگران معدن "سی - دیعنیس"

موردن سو قصد قرار گرفت.

"کومی داککی" دیپرکل "استاماس" اتحادیه کارگران اداره هواشناسی و

حمل و نقل هوایی ۱۱ ژانویه ۹۴ در فرودگاه "گومی" دستگیر و زندانی شد.

گرچه دلیل دستگیری "کومی داککی" ظاهرا طرفداری وی از احزاب اپوزیسیون اعلام شد، اما بطور واقعی

وی را بدليل فعالیت هایش در عرصه جنبش کارگری و بویله نقش فعالش در اعتصاب عمومی دستگیر کردند.

"کومی داککی" بدون آنکه مورد اتهام معینی قرار گیرد تا اوسط قوریه بدون برخورداری از حق داشتن وکیل در زندان مرکزی "گومی" در بازداشت بسر می برد. دولت ادعا کرد که "کومی" در جمع ناشناسی که در ۵ ژانویه به محل اقامت رئیس جمهور وارد شدند، بوده است.

توکو

جمعیت ۶۷۳ میلیون نفر،
جمعیت شاغل ۴۱ درصد،
بیسوسادی ۵۷ درصد،
سن متوسط مرد ۵۴ سال،

اعضای اتحادیه بهمراه دیگر شهروندان توکویی بدليل وجود ترور و شرایط غیر امنی که در جریان انتخابات ریاست جمهوری در اوت ۹۲ و انتخابات مجلس برای تصویب قانون اساسی در فوریه ۹۴ بر کشور حاکم بود، مجبور به مهاجرت به کشور همسایه شدند.

"تتری گیکیپی بنیسان" دیپرکل اتحادیه سراسری "یوان اس آی تی" که عضو اتحادیه های آزاد بین المللی است نیز در میان مهاجرین بود.

اعتصاب عمومی که توسط گروهی از اتحادیه های مستقل تحت نام "سی اس آی" و گروه اپوزیسیون طرفدار دمکراتی سازمان داده شده بود در نوامبر ۹۲ آغاز و تا پایان سال ادامه داشت.

همینین شایع شد که دولت توکو با اقدام به تشکیل یک اتحادیه سراسری مشکل از ۵۲ اتحادیه ای که در واقع

بقیه در صفحه ۷

فعالیت سیاسی خود در شهر سلیمانیه ۵۰ هزار نفر را بسیج و مطالباتش را اعلام کردند.

تاکنون بیش از ۶۰۰ زن به جرم های ناموسی مستقیم و غیر مستقیم توسط عوامل حکومتی ترور شده اند.

تفرقه بیندار و حکومت کن

در ماه مه ۱۹۹۴ جناههای مختلف دولت کردستان جنگی خونین را علیه یکدیگر آغاز کردند. برای هر دو طرف، جنگ برای تصفیه حسابهای قدیمی و کسب قدرت بیشتر بود. فقط طی ۲ ماه ۴ هزار نفر در این جنگ کشته شدند.

این جنگ برای ۳ دولت سرکوبگر منطقه، ایران، عراق، ترکیه موقعیت مناسبی را فراهم کرد تا در منطقه به لحاظ نظامی و سیاسی به تشدید سرکوب مردم کردستان پیزدازند. بطور مثال ایران در این جنگ وارد شد و بونیه خود نیروهای ارتقاگوی اسلامی منطقه را مورد حمایت قرار داد.

نیروهای ناسیونالیست و واستگانشان دستگاه ها و مأشین آلات صنعتی را دزدیده و در مزرعه قاچاقچیان ایران فروختند. آنها حتی از کابل های تلفن هم نگذشتهند. در کردستان هم اکنون ۲ بایکوت عمل می کند، یکی بایکوت آمریکا و متحدینش علیه دولت مرکزی عراق و یکی بایکوت دولت مرکزی علیه کردستان.

بقیه در صفحه ۵

در قرن بیست و یکم، بطور جدی یک انتخاب آشکار بین بربیت سرمایه داری و سوسیالیسم در مقابل ماست

بروس آلن فعال اتحادیه کارگران اتومبیل ساز کانادا:

بروس آلن کارگر کارخانه جنال موتورز در کانادا و فعال اتحادیه کارگران اتومبیل ساز است. وی در مراسم اول ماه مه امسال که توسط تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری از زمان وقوع آن کشتار تاکنون سالهای زیادی گذشته است و تغییرات عظیمی در چارچوب این تصویر کاملا گستاخانه سرمایه داران برای آینده سازمان کار، جایی برای سازمانهای واقعی کارگری وجود ندارد و کارگران قرار است به میگذارد، کوچک بنظر میرسند. مبرم ترین این تغییرات پدیده بی توقف و مداوم بازسازی اقتصاد جهانی و دگرگونی یکباره پرسه کار میباشد که به موازات حملات فزاینده دولتها که همکی کاملا مطیع منافع سرمایه میباشد پیش خواهد رفت.

این تحولات بویله از این نظر که طبقه حاکم نه فقط وقوع آنها را تاحدی خواهد داشت. من از ظهور یک سیستم تولید صنعتی صحبت میکنم که آگاهانه طراحی میشود تا با شتاب بخشیدن به پرسه جهانی شدن اقتصادی و بلوغ سریع آن، آینده اقتصادی نسل بشر را شکل دهد.

طبقه حاکم در آستانه ورود ما به قرن بیست و یکم تصویر معینی برای آینده دارد. من نه فقط در این مورد کاملا مطمئنم بلکه عملا این فرست را داشته ام که شاهد مستقیم کوششهای

و با دسته گل به خانه بانو تاجر فرستادند! از زمان لشکر کشی آمریکا و متحدینش عدالت قومی بین اعراب و کردها شدت یافت.

فربی ناسیونالیسم

این شکست، گرایش رادیکالی به رهبری جلال طالبانی شکل گرفت که از طرفداران انقلاب به سبک چین بود. او اتحادیه میهنی کردستان را به اتفاق دوستانش پایه گذاری کرد.

جنگ خلیج

هنگامیکه در زمستان ۱۹۹۰ آمریکا و متحدینش لشکرکشی خود را به طرفداران انقلاب به سبک چین بود. او به مردم ثابت کرد.

در مارس ۱۹۹۱ کارگران سوسیالیست و آگاه در برخی از شهرهای کردستان در کارخانجات و مناطق مسکونی خود دست به ایجاد شوراهای کارگری و محلات زدند. آنها خواهان ۳۵ ساعت کار در هفته، حق اعتصاب و تشکل، بیمه بیکاری و برابری زن و مرد شدند.

شوراهای از ابتدای سازمانیابی خود با حملات و سرکوب نیروهای مسلح دولت خودمختار و سایر نیروهای ارتقاگوی و ناسیونالیستی مواجه شدند. جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی در اعلان کردستان عراق بعنوان منطقه "مورده حمایت" بود، تا در منطقه به قدرت سیاسی دست یابند. احزاب ناسیونالیست کرد بین مردم تبلیغ نمودند که آمریکا و متحدینش به کمک ملت کرد آمده اند!

دستگاه تبلیغاتی ناسیونالیست ها در آن دوران کاملا بکار افتد. همزمان با برگزاری کنسرت حمایت از آن جمله می توان از رثوف، رناس، مردم کردستان در لندن، ناسیونالیست ها کودکان را ملبس به لباس کردی

در کردستان عراق چه می گذرد؟

ناصر یادگار

متن زیر ترجمه آزادی است از مقاله ناصر یادگار که در نشریه آلمانی زیان عمل مستقیم، شماره ۱۰۷، دسامبر ۱۹۹۴ چاپ شده است. این روزنامه ده هزار تیراژ دارد و متعلق به آثارکو سندیکالیستهاست.

در سالهای ۷۰ در کردستان عراق

جنگی ملی وجود داشت که توسط حزب دمکرات کردستان عراق رهبری

می شد. هدف این جنگ در قبال دولت مرکزی عراق کسب خودمختاری برای کردستان بود. مصطفی بارزانی رهبر حزب دمکرات کردستان عراق و

ناصر یادگار که در مدارس حزبی شوروی سابق دوره دیده بود. او در مبارزه اش علیه دولت

مرکزی عراق به کمک شاه ایران متکی شده بود و شاه هم از این جنگ برهه بردازی خود را می کرد.

هنگامیکه در سال ۱۹۷۵ عراق و ایران در الجزایر کشمکش های ارضی خود را کنانه نهادند، شاه کمک های مردم کردستان را قطع و در نتیجه این جنگ به کمی می شوند، که این جنگ "رهایی بخش" ملی شان علیه

در آلمان نیز مستله کرد که موضوع پیچیده و جواب نگرفته ای شده است از سالها پیش مورد بحث و جدل قرار

سیاست رسمی بر اساس نیازهای متفاوت شکاری تصاویر مختلف را از مستله کرد به نمایش می کنار و برای مردم آنچه سازمانی های متفاوتی می نویسد.

در این ارتباط مثل تمامی موارد دیگر نه فقط ژورنالیسم مطیع و فاسد، بلکه ژورنالیسم "غیر وابسته" نیز همنوایی می کنند.

کردها گاهی بعنوان ملتی تحت ستم و بخانمان معرفی می شوند، که

این جنگ به شکست انجامید. بعد از

نمایندگان شوراها بطور رسمی است. در نوروز همه غرق شادی و جشن اند. تنها کسانی که از این شادی و جشن محروم اند نمایندگان شوراها هستند که امروز هم جلسه گرفته و رسماً شورای نمایندگان را انتخاب می‌کنند.

۲ فروردین (۲۲ مارس)

جلسه نمایندگان شوراها برگزار شده - کمیته‌ای ۱۳ نفره برای هدایت و متصرک کردن کارها انتخاب شده، دوستان ما این کمیته را کمک می‌کنند و قرار بر این است فردا در جلسه ای برنامه و خطوط کار کمیته بررسی و تصویب بشود - این برنامه توسط دوستان ما به کمیته پیشنهاد می‌شود.

علاوه بر آن قرار شده اطلاعیه ای خطاب به نیروی پیشمرگ داده شده و به پشتیبانی از شوراها فراخوانده شوند. در همین جلسه گسترش فعالیت شوراها و دخالت در امور اجزائی محلات و کمک به فقرا و بیچیزان از طریق صندوق تعاقوی و ثروتمندان مورد تأکید قرار می‌گیرد.

یکی از دوستان ما به کرکوک رفته، او اصلاً کرکوکی است و تجارب فعالیت شورایی دو هفته ای سلیمانیه را هم با خود برده است. بینیم چکار می‌کند. مساله ارتباط با او جدی و مهم است و همانگ کردن یکپارچه کردن فعالیت شوراها.

۳. فروردین (۲۳ مارس)

امروز در نشست جمع رهبران و فعالین جنبش شوراها اوضاع را بررسی کردیم. کارخانه‌ها توسط افراد مسلح جبهه قرق شده و تنها کارگران حق ورود به کارخانه را دارند و حق تجمع ندارند. "جهه" یک اطلاعیه تهدید آمیز داده و گفتته: شوراها بدون اجازه و اطلاع "جهه" باید برداشته شوند و کسانیکه به شورا مراجعه کنند مجازات می‌شوند و در آخر اطلاعیه آمده است که: این به معنی مخالفت با آزادی بیان و عقیده نیست!

امروز جلسه نمایندگان شورا تشکیل شده با ۲۳ اعضاً - ۱۱ عضو شوراهای کارگری و محلات و ۱۱ عضو بنش که ها و یک عضو از فعالین جنبش که رهبری و هدایتگریشان از جانب کمیته برمی‌ست شناخته شده است. (یکی از دوستان ما)

در جلسه ۴ برنامه و قطعنامه پیشنهاد شده پس از بحث و بررسی آنها، برنامه پیشنهادی دوستان ما به تصویب کمیته می‌رسد. کمیته یک اطلاعیه هم خطاب به مردم و نیروی پیشمرگ می‌دهد، با این مضمون، شورا وابسته به هیچ حزب و گروهی نیست - شورا خواهان آزادی بی قید و شرط است. شورا با احزاب و نیروی پیشمرگ دشمنی ندارد و خواهان پشتیبانی آنها از شوراهاست.

کمیته یک هیئت روابط خارجی و یک کمیسیون برای انتشار نشریه شورا انتخاب می‌کند. دوستان ما هم در کنار کمیته جلسه تشکیل داده و نقشه فعالیت خود را با جزئیات تعریف کرده اند که خطوط آن: کار با کمیته نمایندگان شوراها، بقیه در صفحه ۵

قبلاً قرار داشتیم که راهپیمایی و تظاهرات بشرطی است که بتوانیم نیروهای کمیم و بالاخره قرار شد:

- ۱ - منشعبین با همان نام قبلی کار نکنند و نام جدیدی هم برای خود نگذارند و ابزار سازمانی همان جلسات نمایندگان شوراها کارگران و محلات باشد.

۲ - بعیان شورا برویم و بزای گسترش و تعمیق آنها کار کنیم.

۳ - نمایندگان شوراها به جلسه ای دعوت شوند و موضع رسمی شوراها را اعلام کنند، بعلاوه مواضع و مبانی جنبش شورایی را رسماً اعلام کنند.

۴ - برای ایجاد شورای نمایندگان کارگران و حتی الامکان نمایندگان شوراها محلات هم کوشش جدی بعمل آید

۵ - و بالاخره از راه اندازی آسیون خودداری شود. اما از شورا دفاع جدی بعمل آید.

یا قوارگاه رمضان

اما برای کارگران هیچ حرف و اقدامی در بین نیست.

یکی از نمایندگان جبهه در جلسه مذکور با نمایندگان شوراها می‌گوید: کارگران حالا باید ۲۴ ساعت کار کنند چون برای خودشان کار می‌کنند. و دیگر گفته حالا دور دور کارگر نیست، دور دور دمکراسی است. حالا وقت کار است. وقت بازسازی است. همه باید کار کنند!

۲۸ اسفند (۱۹ مارس)

"جهه" عملاً به شوراها حمله می‌کند - رهبران شورا متهم می‌شوند، از قبیل اینکه همکار رژیم اند، بد اخلاق اند و فاسدند، خائن اند ... - تجمع اهالی شهرک نصر و جلسه شورای آنها را با تیراندازی از بالای سر مردم می‌خواهند بهم بزنند.

- از تجمع اهالی شهرک بازیان، بلندگویی شورای شهرک گیرند

- بلندگویی شورای محله ملک کنند

۲۷ اسفند (۱۸ مارس)

صبح امروز در جلسه کوتاه نمایندگان

شوند و فراغوان راهپیمایی بدون نفعه اینجا و آنجا در میان کارگران و مردم محلات می‌پیچد. اما پاسخ جدی نمی‌گیرد. هیچ کاری برای بسیج مردم دخانیات حدود ۴۰۰ تن در جلسه شورای خودشان فرمان الفای شوراها را محکوم می‌کنند و بعد از جلسه دست به راهپیمایی می‌زندند و در جلو مقر اصلی جبهه اجتماع می‌کنند. این می‌گذشتند. اینجا و پشتیبانی از شوراها با نمایندگان "جهه". کارگران قطعنامه ای به جلسه می‌فرستند مبنی بر محکوم کردن اعلیه رادیویی و پشتیبانی از شوراها. بعد از ظهر هم جلسه شورای نمایندگان خیاط به راهپیمایی مشابهی می‌انجامد و اجتماع جلو مقر جبهه و این همزمان است با اواخر جلسه مذکور.

یک فعال جنبش شوراها از کردستان عراق سخن می‌گوید

یادداشت‌هایی درباره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست

(قسمت سوم)

۲۹ اسفند (۲۰ مارس)

با صدای اولین تیراندازی بخاطر شب عید نوروز خسته و بیحال از اطاقم مוואپند کارگران و کارکنان تجمع نکنند. دختری را که می‌خواسته برای کارگری صحبت کند با زور می‌خواهند از بیمارستان بیرون کنند ولی کارکنان خواستار حضور و ادامه صحبت‌هایش است. اما جنبش شورایی و فعالین جنبش شوراها با همه شیرینی پیروزی، تلخی ای را در گلوی خود احساس می‌کنند و نگرانی اش در عمق چشم هایشان، نگران آینده شوراها و دشمنی جبهه با آن. اما امید به پیش رفت از ما کار بیشتری می‌طلبند.

اعلامیه ای در مورد رابطه شوراها و نیروی پیشمرگ باید نوشته شود -

تعرض جبهه به شوراها باعث شده که

مردم برخورد سرد و دور از انصافی به

خود پیشمرگان بکنند. در اینجا

پیشمرگ مقصر نیست. آنها قربانی

سیاست احزاب بورژوازی و ناسیونالیسم

بی‌افق و بی‌خاصیت اند.

اول فروردین (۲۱ مارس)

تعرض و تهدید جبهه ادامه دارد. از بلندگو اعلام کردند که هر کس به شورا مراجعه کند مجازات می‌شود. زنی را برای انتصاف به انجمن محله دعوت می‌کنند و او می‌گوید: اگر شورای سر داده اید؟ ملت از شما نیز شود و گرنه حاضر نیست.

افراد چپ و کمونیستها زیر کنترل

پلیسی قرار می‌گیرند و مانع از

حضور آنها در میان کارگران می‌شوند.

و آخرين خبرها اينست که تعدادی از

اعضاء و کادرها و پیشمرگان "جهه"

به تعدیات جبهه علیه شوراها اعتراض

دارند.

یا قوارگاه رمضان! حکومت شوراها

را می‌گیرند. افراد مسلح را جلو کارخانه ها می‌کنند.

جهه حقه ای بکار می‌گیرند و تعدادی از هواپاران خود را که نماینده شوراها محلات هستند به جلسه مذکورات دعوت می‌کنند. پنج نماینده واقعی اعتراض می‌کنند که اینها را برای چه آورده اید و آنها می‌گویند که اینها هم مثل شما نماینده هستند.

بر سر ماندن یا رفت از جلسه بین ۵

حزب کمونیست عراق زیرجلگی اعلام

می‌کنند موافق شوراست اما مشروط.

حزب سوسیالیست کردستان (پاسوک)

هم شورا می‌خواهد اما مشروط.

قبول جمهوری کردستان (علوم نیست

این جمهوری چیست؟) بعد از

از جلسه مذکور شوراها بازیان می‌شوند.

جهه حقه ای بکار می‌گیرند و دست به سینه

حرفی نمی‌زنند. تنها دو نماینده از

انشعاب می‌کنند. پنج نماینده از

شورا محکم می‌ایستند و اعلام می‌کنند ما نظر شوراها را نوشیم و قبل

از آمدن به جلسه هم پخش کردیم شما

حرفتان را که از رادیو زدید پس می‌گیرید یا با شوراها در می‌افتید و

نماینده ای از این روز دو تن از نماینده‌اند که

مرکزی به مقر اصلی جبهه می‌روند و

توضیح می‌خواهند. اما خوب

تمهیلشان نمی‌گیرند. یکی از

نماینده‌اند می‌گوید: این آخرین بارتان باشد با این روز اتفاق نظر کامل ندارند.

صبح این روز دو تن از نماینده‌اند که

مرکزی به مقر اصلی جبهه می‌روند و

توضیح می‌خواهند. اما خوب

تمهیلشان نمی‌گیرند. یکی از

نماینده‌اند می‌گوید: این آخرین بارتان با

می‌شوند. بالاخره جلسه نماینده‌اند با

رای گیری در مورد مذکوره و تظاهرات

همزمان خانمه می‌باشد. ۱۱۰ رای

موافق و ۳۶ رای مخالف.

ساعت ۸ شب با سه تن از رهبران و

فعالیت دفتر مرکزی شوراها قرار داریم.

ملاقات و گفتگوی ما با آنها چهار

ساعت طول کشید و سر خطوط آتش

کار تواناق داشتیم: مذکوره از موضع

قدرت و بدون نشان دادن ضعف. اگر

توازن قوا مناسب باشد راه پیمایی

همزمان با مذکوره - اگر نیروی کافی

جمع نشود راه پیمایی نشود.

و بالآخره یک اعلامیه اعلام موضع

شوراها و پاسخ به اعلامیه رادیوی

میلیون دینار از سرمایه داران شهر

گرفته اند تا حقوق کارمندان را بدند.

مظفر محمدی

۲۶ اسفند (۱۷ مارس)

امروز صبح قبل از مراجعت ملاقاتی کوتاه داریم با دوستانی در یک بنکه مرکزی شورا - در اریبل هم این مرکز بوجود آمده. ساعت ۱۱ صبح بطرف رانیه و بعد سلیمانیه براه میافتیم. خانواده میزبان از رفتن ما دلتنگ شدند فقط چند ساعت از آشنازی ما گذشتند. میتینگ عظیم روز قبل در سلیمانیه در دست شورا و فعالین جنبش شورایی بوده. نماینده میزبان از طرف میزبان ایشان را براحتی کردند اما این طرف بینکه مرکزی شوراها بیانیه حقوق زحمتکشان قرأت شده و به تصویب مردم رسیده است.

عرض همین روز رادیوی جبهه اعلام میکند که شوراها باید ملغی شوند و بجای آنها باید انجمنهای محلی گذاشته شوند - انجمنهایی که از بالا

و با تائید جبهه انتخاب می‌شوند.

امروز جنب و جوش و سیعی بین کارگران و مردم شهر وجود آمده است. بعد از ظهر امروز جلسه نماینده ایشانیه کارگری و محلات فعالیت شوراها ایشانیه کارگری و محلات سخنرانی کردند. احزاب بورژوازی میزاحمهایی فراهم کردند اما

</div

این مطلبیت بیشتر سندیکا در "تقابل" با شورا میباشد. ولی این آمارها، به فرض صحت، هنوز هیچ چیزی در رد تقدیمی سندیکا مراکز صنعتی بزرگ در قیاس با مراکز کوچک و اهیت کیفی آنها بعنوان مورد و مرکز ثقل سازمانیابی طبقه کارگر ایران بدست نمیدهد. بعلاوه بحث "قطعنامه دریازه تشکلهای تودهای طبقه کارگر" مصوب آبان ۶۶ حکا، اکه "گزارش" تمام دریازه آن صم و بكم است) بر اساس آمار سال ۱۳۶۰ یا ۱۵ مرکز آمار ایران به ارجحیت شورا بر سندیکا برای کمونیستها نزدیده بود تا با آمار سال ۱۳۷۰ جواب بگیرد. این قطعنامه بر اساس یک نگرش تاریخی - جهانی متعلق به سرانجام گزارش فراخوان میدهد که: "قبل از هر چیز در این باره بایستی خود را از دام ذهنیت واژگونه «تقابل سندیکا و شورا» رها کنیم و در حد توان خود به امر سازمانیابی طبقه کارگر یاری برسانیم که در آن هم سنت شورا و هم سنت سندیکا بعنوان تاریخ این جنبش طبقاتی وجود دارند." (همانجا انتکاء سایر تشکلهای تودهای کارگری ارزیابی کرد و دقیقاً "تقابل" بخش بجامانده آن حزب با این نگرش تاریخی - جهانی کمونیستی است که ارزش چنین اعداد و ارقامی را برایان تعیین میکند. این آمارها هیچ آنان یعنی مرجع شوردن اتحادیه بر شورا را "نشان نمیدهد". بحث تقابل در این میان تنها برگ انجیز برای پوشاندن این انتخاب است.

معرض پراکنده

ابتدا لازم به یادآوری است که طی چند باری که مساله سازمانیابی کارگری در این چهار سال بعد از جدایی مورد بحث رهبران و مبلغان بخش بجامانده است که اندرزگو در زیرنویس همین جمله هدفی مباحثات و مصوبات گذشته حزب دریازه اولویت سازمان شورانی به فراموشی سپرده شود و بجای آن هرچه بیشتر اتحادیه را سر زبانها بیندازند. در نخستین نوشته آنها بعد از جدایی، (بحث مفصلی راجع به جنبش مجامع عمومی در کردستان) حتی یک بار هم این جنبش در رابطه با تکامل آن به جنبش شورانی مورد کمترین اشاره ای قرار گرفته، همچنانکه در حاشیه اتحادیه و سندیکا جای داده شده است. این نوشته نمایانگر موضوع یک سندیکالیست رادیکال است که در تمايز با "راه و رسم سندیکای سنتی" لزوم انتکاء به مجمع عمومی را یادآور میشود. (یپشه، شماره ۴۱، مهر ۷۱، گفتگو با جواد مشکی ص ۲۷) آنها هرچه جلوتر آمده اند بیشتر بر آلترناتیو مورد نظر خود یعنی سندیکا تاکید کرده اند. بطور مثال در اطلاعیه پلنوم بیست و چهارم کیفیت حزب (اول خرداد ۷۲) به کمک به امر سازمانیابی اتحادیه های کارگری در کردستان ایران (تکید از ما) اشاره شده است و به دنبال آن طی مقاله ای در پیشه و ارگان کومله به زبان کردی) مطلوبیت اتحادیه برای همه کارگران در کردستان تعیین داده شده است. تز مقاالت مزبور اینست که شوراهای کارگری برای مراکز بزرگ صنعتی (خارج از کردستان؟) و اتحادیه

مرغ آنها در مساله تشکل فقط یک پا دارد (که آنهم شوراست). این البته کوچکترین پایه و اساسی ندارد. زیرا همراه، چه در دنیا واقعی پرایک چندین ساله ما، چه در متن قطعنامه مربوطه وجه در مصافحة منصور حکمت در توضیح قطعنامه، به روشنی و مکررتر از آنکه هیچ بینندگانی در امر نادیده بگیرد بر مطلوبیت هر سرینه و هر مبارزه سازمانگرانه کارگری در برابر بورژوازی تاکید شده است. (در ادامه به این مسئله برمیگردیم).

آمار چه چیزی را نشان میدهد؟

سرانجام گزارش فراخوان میدهد که: "آن جریان معمولاً به مارکیسم و تئوری مارکیستی ارجاع داده میشود، یعنی اینکه باید مرتضی دراز و سندیکا را که زمانی در اسناد آن حزب کشیده بودند با مداد پاک کن پاک کرد تا بتوان در عرصه تشکل کارگری راه عملی پیدا کرد.

این به سادگی یعنی جعبه‌بندی تجارب

تاریخی طبقه کارگر و از جمله تجربه

بلاقاصله در زیرنویس همین نیست، تجربه

به هند جلوگیری شود، و اتفاقاً چنین تبلیغ و ترویجی بهیچچوچه کمتر از یافتن راههای عملی در دل شرایط موجود" مهم نیست. ثانیاً این تاکید یکجانبه بر راههای عملی و شرایط موجود، دقیقاً مقدمه‌ای است برای ساختگی قلمدادکردن تقابل شورا و سندیکا، نفع افق کمونیستی در امر

سازمان ادامه کار و علی بوده است.

سپس به "شور و شوق کارگران در سالهای ۵۷، ۵۸، و ۵۹ برای سازمانیابی و مشکل شدن در شوراهای کارگری" و سندیکا، نفع افق کمونیستی در امر بدل جمهوری اسلامی (شوراهای اسلامی و انجمن‌های اسلامی کارگران) در آن، همچنین به تاثیرات منفی دراز مدت جنگ، اخراجها و سرکوب و کشتار

فعالیت کارگری بر مبارزه کارگران برای معرفی شده است. ثالثاً این پرخاش کینه توزانه به "ذهبیت روشنفرکرانه" که در فرهنگ عقب مانده و پرگماتیستی

آن جریان معمولاً به مارکیسم و تئوری مارکیستی ارجاع داده میشود، یعنی اینکه باید ضرورت سازمانیابی و تشکل را به کارگران یادآوری کند کار بیهوده و نالازمی است. آنچه مهم است یافتن راههای عملی برای سازمانیابی کارگری در دل

شرایط موجود و نیز مبارزه گسترده برای غلبه بر استبداد سیاسی حاکم بر کارگران ایران مهم نیست، تجربه

میکند که "طبقه کارگر ایران در طول حیات خود جز در مقاطع کوتاهی آنهم در مقیاسی محدود فاقد تشکل و سازمان ادامه کار و علی بوده است."

طبی چهار سال بعد از جدایی گرایش کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران رهبری بخش بجامانده، که همچنان اسامی و تاریخ سازمانی آن حزب را با خود حمل میکند، از آن واقعه به آن واقعه، از این شماره نشیره به آن یکی، و از این نشست حزبی به آن نشست دیگر قدم به قدم و به شیوه‌ای حقیقی در مقدور پوشیده در تلاش فاصله گرفتن از گذشته سیاسی و فکری حزب کمونیست ایران بوده است.

... امروز شکل گرفتن سازمانهای مستقل کارگری، آزوی هر کارگری است و تبلیغ بر سر این امر که ضرورت سازمانیابی را بر خود دارد و بهمین دلیل طبعاً با واقعیت تغییر یافته خواهی ندارد. برسی کلی این موقعیت تغییر یافته را، بویژه از آنرو که بخش بجامانده هنوز تصویر کم و بیش یکدستی از خود به دست نداده است، به وقت دیگری باید واگذار کرد. موضوع بحث فعلی ما یک جلوه از این فاصله گرفتن‌ها، یعنی بازیمنی "برخورد دوره گذشته" به مساله تشکلهای کارگری در کنگره چهارم آن حزب است. گویا در این کنگره ناگهان کاشف به عمل آمده که زمانی در حزب کمونیست: "قابلی بر سر بحث شورا و سندیکا دامن زده شد که در دنیا واقعی و در میان کارگران ایران هیچگاه چنین مغلوب وجود نداشت و این تقابل ساخته و پرداخته گذشته ذهنیتی درباره کارگر و مبارزه کارگری و سازمان یابی کارگری بود." بله! دقیقاً به مینی سادگی!!

چرخش و چهت چرخش آشکار است. برای کسی که با سیاستها و ادبیات سیاسی حزب کمونیست ایران آشنا باشد همین چند سطر به اندازه کافی گویاست. با اینهمه ارائه دهنده بحث معتقد است که "این مساله خود جای بحث جادگانه ای است" و از زبان کمیته مرکزی (یا از زبان خودش؟) و عده میدهد که "در فرستی دیگر" به آن خواهند پرداخت. (ابراهیم علیزاده: گزارش کیفیت مرکزی به کنگره، در جزوه گزارشها و اسناد کنگره چهارم حزب کمونیست ایران، ص ۵۱)

نظر به اهمیت روش‌شنیدن تمايز و تقابل نگرهای و اقهای مختلف در رابطه با سازمانیابی کارگری، در اینجا اخیر، سرکوبگریهای ضدکارگری جمهوری اسلامی و پیامدهای منفی آن، و آرزوی هر کارگری برای تشکل و بیهوده دانستن تبلیغ بر سر ضرورت آن، نتیجه گیری میشود که یافتن راههای ساختگی و "ذهبیت روشنفرکرانه" ادامه میدهد: "ما در تشکیل هر سرینه مسنه میشود که در دل شرایط موجود میشود که در دنیا واقعی و در میان کارگران ایران هیچ گاه وجود نداشته و ساخته و پرداخته گذشته ذهنیتی روشکارانه درباره کارگر و مبارزه کارگری و سازمانیابی کارگری بود. این خواهند پرداخت. (جزوه گزارشها و اسناد کنگره چهارم حزب کمونیست ایران، ص ۵۱، تاکیدها از ماست)"

سیر استدلال را نگاه کنید: از شور و شوق کارگران برای سازمانیابی و مشکل شدن در شوراهای کارگری در دوره سازمانیابی آنها در دوره اخیر، سرکوبگریهای ضدکارگری جمهوری اسلامی و پیامدهای منفی آن، و آرزوی هر کارگری برای تشکل و بیهوده برای اینکه مواضع رسمی این جریان، در این زمینه، را مشروع تر و بزرگنمایی میکند که بیشتر شوراهای کارگری در اینجا یادآوری کنیم که قطعنامه فوق یعنی مبنای قطعنامه دریازه تشکلهای کارگری ایران در این عرصه، در نخستین شماره انتربانیونال، ارگان حزب ما درج شده است.

خریدن از شورا به سندیکا

گزارش کیفیت مرکزی به کنگره چهارم حزب کمونیست ایران مبحث تشکل کارگری را با ذکر این واقعیت شروع

ذهبیت واژگونه "قابل شورا و سندیکا":

از کشفیات کنگره چهارم حزب کمونیست ایران

فاتح شیخ الاسلامی - اسد گلچینی

که زیر این فراخوان به ظاهر یکسان نه به سندیکا مهم نیست، بررسی اینکه این دو نوع سازمانیابی آلترناتیو گذاشت کارگران در تقابل با شورا و نهادن آلترناتیو سندیکا پیش پای آنان است. ابزار این واژگون سازی آمارهایی است که اندرزگو در زیرنویس همان جمله ردیف کرده است:

"مطابق آمار منتشر شده در سال ۱۳۷۰ از جانب مرکز آمار ایران، کل کارگاههای صنعتی در ایران ۲۹۷۳۷۴ واحد میباشد که بیش از ۹۶ درصد تاثیر هژمونی هر یک از این دو بر اتحاد و سیاست تودهای کارگاههای کوچکی هستند که در دنیا واقعی و در میان کارگران ایران هیچ گاه ندارد!!" بررسی تفاوت تشکل فاریکی - منطقه‌ای (مشخصه سازمانیابی شورانی) با تشکل صنفی و رسته‌ای (مشخصه سازمانیابی سندیکائی) و تاثیر هژمونی هر یک از این دو بر اتحاد و سیاست تودهای کارگاههای نیرورمندی جنبش کارگری و اسناد اما اشتباه شود. این به هیچچوچه در معنی برخورد یکسان به شورا و سندیکا و رفع تقابل "ساختگی" نیست. بر عکس، این توجیه نه چندان پوشیده نظری برای یک سینه خیز "عملی" ... آمارها نشان میدهند که پراکنده در واحدها و کارگاههای کوچک خصلت اصلی جمعیت کارگری در ایران است. در همان حال قریب ۶ میلیون نفر از افراد آماده به کار بیکارند. دقیق شدن در این آمارها غیر واقعی بودن در این میان آمارها نشان میدهند که پراکنده در واحدها و کارگاههای کوچک خصلت اصلی جمعیت کارگری در ایران است.

دلسوزتر از مادر

بازی از این قیاس نه فقط هیچ مبنای "علمی" و "ایزکیوی" به بحث نمیدهد بلکه آمپیریسم سبکی را به نمایش میگذارد که بیش از هر چیز به عوام‌فریبی‌های رایج ژورنالیستی شبیه است. در این قبیل موارد معمولاً هر کس برای هر نظری که از پیش داشته باشد میتواند آمار لازم "جور" کند. در اینجا مطلعیت این ارقام برای نویسنده تلویحاً میگوید که طرفداران شورا با تشکیل هر سرینه این موافق نیستند و

گزارش کیفیت مرکزی ... به دنبال نتیجه گیری فوق و پرخاش به تقابل ساختگی و "ذهبیت روشنفرکرانه" ادامه میدهد: "ما در تشکیل هر سرینه مسنه میشود که در تقابل قوای موجود سازمانی شکل گیری آن موجود باشد و از امکان شکل گیری آن موجود باشد و از کارگر و حقوق وی در برابر تهاجم سرمایه و دولت دفاع کند، فعالانه باشیست شرکت کنیم. شوراهای و اتحادیه های هر کدام در سنتهای مبارزه تاکتونی هستند و ساخته و ساخته و پرداخته ذهنیتی روشنفرکرانه است نقیب زده میشود. اولاً اگر هم تبلیغ بر سر ضرورت سازمانیابی برای کارگران "کار بیهوده و نالازم" باشد تبلیغ و بوسیله ترویج دریاره چکونگی سازمانیابی و اتفاقی متفاوت ناظر بر این امر کاملاً ضروری است تا از جمله از تردستی کسانی که بخواهند جواب شور و شوق توده کارگران

همه کارگران پشت سر ما صفت نمی‌کشند. طبقه ما همچنان در اشکال گوناگونی در کار سنگرینیدی در برابر بورژوازی خواهد بود و یکی از این اشکال تلاش برای ساختن سنتیکاهاست، اعم از مخفی و علنی و غیره، ما از هر سنگرینیدی طبقه کارگر حمایت می‌کنیم و برای تقویت آن تلاش می‌کنیم. ما هیچ دوختی را که کارگران در دوره خلقان پاسخ دهد. تصویری که حزب کمونیست ایران از رابطه شورا و سندیکا بدست داده است تصویری متناقض و غیر واقعی است، زیرا که در آن تقابل تقابل شورا و سندیکا در عین حال هم انکار و هم تائید می‌شود. آنها از یکسو تقابل بین بدیهیت را لجوحانه انکار می‌کنند و ازسوی دیگر با جانبداری نه چندان پوشیده از اتحادیه، یکبار دیگر بر وجود این تقابل مهر تائید می‌زنند. تقابل شورا و سندیکا واقعیتی اجتماعی است. تقابل دو آلتنتاتیو برس سازمانیابی کارگری در ساختار، روشها و اتفاقیات اجتماعی و سیاسی کاملاً متفاوت‌شان، که خود محصول تقابل دو گرایش کمونیستی رادیکال و رفرمیستی محافظه کار برس رهبری جنبش کارگری است. در این تقابل بخشی نیست. آنچه جای سوال است اینست که چرا بخش بجا مانده حزب کمونیست ایران به اسناد و مصوبات گذشته آن حزب در دفاع از اولویت نظام شورایی پشت کرده و به سوی انتخاب آلتنتاتیو اتحادیه خزیده است.

چرا اتحادیه و نه شورا؟

این مساله در سیرکلی حرکت این جریان بعد از جدایی، در چرخش به راست آن، در جدایی آن از جنبش کارگری و بی‌تفاوتوی کامل نسبت به سرنوشت این جنبش قابل توضیح است. واقعیت اینست که بخش بجامانده، میرود تا هرچه بیشتر خود را بمنابه یک حزب جنبشی و تاحدوی رفرمیست شکل دهد. حزبی که بناهه موقعيت سیاسی اش در جنبش ملی کردستان مدعی شرکت در سازماندهی "اشکالی از حاکمیت ملی در این منطقه" و "پرکردن" خلا احتمالی ناشی از نبودن قدرت مرکزی (جزوه گزارشها و اسناد کنگره چهارم حزب کمونیست ایران، تیرماه ۱۳۷۳ - ص ۵۶) میباشد، حزبی که علاوه بر این موقعیت منطقه‌ای، در سطح سراسری، در صفت گروه‌ها و سازمانهای چپ غیرکارگری نیز باعث‌بار تداعی با ساخته سیاسی حزب کمونیست ایران، یک وزنه سیاسی محسوب می‌شود، نیازمند آنست که با فاصله گرفتن بیشتر از کمونیسم و سیاستها و مواضع کمونیستی، از هر جهت خود را با چنین موقعیتی انتبط دهد.

روی آوری به آلتنتاتیو جنبش اتحادیه‌ای یکی از مولفه‌های این منطبقه‌سازی در راستای شکل دادن به خود به عنوان یک حزب جنبشی و رفرمیست است.*

را در شرایط مختلف دارد ولی این را در مورد اتحادیه نمیتوان گفت.

۴- جنبش شورایی میتواند خود را با شرایط غیر اقلابی تطبیق داده (تجربه جنبش مجمع عمومی در ۱۰-۱۲ سال اخیر در ایران) و در شکل مجتمع عومی به نیازهای مبارزه جاری کارگران در دوره خلقان پاسخ دهد.

جنبش از اینها غیر معلوم می‌شود که تقابل آنها اند پس

حقیقت درست برخلاف این نتیجه گیری

است. این دو سنت دقیقا در تقابل با

یکدیگر بوجود آمده اند و در مقاطع مختلف محتوای سیاسی و اتفاقیات عملی متفاوتی را در جنبش کارگری نمایندگی کرده‌اند. یکی در چپ این جنبش و آن دیگری در راست آن قرار داشته است.

برای کسیکه به جنبش طبقاتی کارگر،

سندیکا و جنبش سندیکایی در ایران

نه ساخته و نه زمینه و پایه

مادی مناسب تری داشته است. بنابراین

سؤال اینست که، خلا و وجود سازمانهای

توده‌ای علنی کارگران را کدامیک از

این دو بهتر و سریعتر میتواند پرکنند؟

۵- در مقایسه با جنبش شورایی،

سندیکا و جنبش سندیکایی در ایران

نه ساخته و نه زمینه و پایه

مادی مناسب تری داشته است. خام اندیشه

سوال اینست که، جنبش شورایی و آن

کند می‌کنند.

۶- در مقایسه با جنبش شورایی،

سندیکا و جنبش سندیکایی در ایران

نه ساخته و نه زمینه و پایه

مادی مناسب تری داشته است. بنابراین

سؤال اینست که، خلا و وجود سازمانهای

توده‌ای علنی کارگران را کدامیک از

این دو بهتر و سریعتر میتواند پرکنند؟

۷- جنبش کارگری ایران، در جواب

سؤال فوق، عملاً شکل سازمانی خود

را بیرون داده است: جنبش شورایی و

جنبش مجمع عمومی. جنبش شورایی

بعد از قیام و بعد از آن توanstه است

در شرایط خلقان پس از ۲۰ خداد در

جنبش مجمع عمومی، خواه با تغییر

توازن قوا از طریق بسیج نیروی توده‌ای

کارگران، خواه با باز شدن فضای

سیاسی جامعه، میتواند به یک جنبش

شورایی سطح بالاتر تکامل یابد.

نکته دیگر اینست که سیستم شورایی

موره نظر کمونیستها، نه تنها وجود

اتحادیه‌ها و مظلومیت آنها در شرایط

معین را منتفی نمیکند بلکه راه اتحاد

آنها با شوراهای را بروشنی نشان میدهد:

"... ما آلتنتاتیو ویژه خود را بار دیگر

طرح می‌کنیم، بی آنکه به جنبش

سندیکائی (اگر موجود باشد) پشت

کنیم و یا مظلومیت آنرا (با توجه به

وضع موجود کارگران ایران) انکار

کنیم. قطعاً اگر سندیکاها، حتی به

فرض که رفرمیست هم میبودند، در

ایران امرور وجود داشتند، این یک

نقشه قدرت جدی برای طبقه کارگر

ایران محسوب می‌شد. قطعاً کمونیستها در

این سندیکاها دخالت و سیاست می‌کردند؛

قطعاً اوضاع از این بهتر بود. اما تمام

مساله بر سر همین "اگر" است." (گفتگو

با منصور حکمت درباره تشکل‌های

توده‌ای طبقه کارگر به دو آلتنتاتیو

کاملاً متفاوت شکل داده است.

در این مساله نیز دشوار نیست که

تفاوت‌هایی اساسی این دو شکل سازمان

یابی را از هم متمایز نمیکند و در

قابل قرار میدهد:

۱- خصلت فرا صنفی و طبقاتی شورا

در مقابل خصلت صنفی اتحادیه. در

شرایطی که برای کارگران ایران (که

موضوع بحث کنونی ما هستند) مسائل

گرهی مبارزه جاری از دستمزد تا قانون

کار، بیمه بیکاری، طبقه بندی مشاغل،

ساعت‌کار و تعطیلی و... همه خصلت

و جایگاه طبقاتی، عمومی و فرا

صنفی دارند.

۲- اعمال اراده مستقیم کارگران

مشخصه نظام شورایی است و نافعال

نگاهداشت توده کارگر و ایجاد یک

لایه بوروکراسی "خاکیت" تاکنون اتحادیه

بوده است. قابلیت مهار شدن اتحادیه‌ها

توسط دولت و احزاب بورژوازی یک

واقعیت روش برای هر کارگر آگاه و

رادیکال است. درحالیکه نظام شورایی

بدلیل متکی بودن به دخالت مستقیم

توده‌های توده از آسانی برای نیروهای

غیرکارگری قابل مهارشدن نیست.

۳- در حالیکه مبارزه اقتصادی و

سیاسی در کشوری چون ایران رابطه

ازینرو خوانندگان کارگر کمونیست را به

خواندن آن متون دعوت می‌نماییم و

در این زمینه به ذکر نکاتی اکتفا

میکنیم. نخست اینکه طبعاً کسی منکر

وجود در کارگاههای کوچک و کلا در

آن رشته‌هایی که بخاطر موقعیت

اقتصادی شان شمار و تمرکز کارگران در

واحدهای کار محدود است و اتحاد

حرفه‌ای، در مقایسه با اتحاد محلی

واقعی است؟ تمام استدلال "گزارش ..."

ایجاد تشكیلهای تردد ای...". اما گزارش

کمیته مرکزی ...، با ارائه آمارهای

کنگره چهارم، این اتحادیه را به

تلویح اتحادیه را برای کل جمعیت

کارگران ایران مناسب میداند و به نظر

میرسد که سرانجام در آخرین نشست

حربی خود، کنگره چهارم، این موضع

را به مثابة یک طبقه کارگر" (شورا، مجمع

عمومی، سندیکا) مصوب پنجم دهم

کمیته مرکزی حکما در آبانه ۱۳۶۶،

مندرج در کمیته مرکزی از مباحث تاکنونی،

جنش کمونیستی و سوپریالیستی بر جنبش کارگری تقدیم داشته است و جنبش کارگری و تشکلهای آن توسط کمونیستها و سوپریالیستها سازماندهی و ایجاد شده است.

کشور ایران یکی از نمونه هایی است که جنبش کمونیستی و سوپریالیستی مقدم بر جنبش کارگری وجود داشته است. اولین تشکلهای کارگری توسط و به رهبری چهارها و کمونیستها بوجود آمدند. اتحادیه های کارگری در ایران ابتدا توسط فعالین حزب کمونیست ایران تشکیل شد. چند سال پس از سرکوب این اتحادیه های کارگری و حزب کمونیست ایران، اتحادیه های کارگری مجدداً به رهبری و توسط حزب توده تشکیل شد. در مقابل این تشکلهای کارگری، همواره رژیم، لیبرالها و ارتجاعیونی وجود داشته اند که خواستار جدایی و استقلال اتحادیه های کارگری از کمونیستها بوده اند. این تشکلهای کارگری صورت تحت این عنوان که وابسته به احزاب چپ و کمونیست بوده اند مورد حمله قرار گرفته اند و این تلقی اشتباہ را نزد عده ای بوجود آورده اند که اگر به اصطلاح "مستقل" باشند از حمله رژیم مصنون خواهند بود. به این نوع تلقی بعد اشاره خواهم کرد.

رژیم پهلوی پیشقدم تشکیل اتحادیه های کارگری نبود تا هنگامی که کارگران ایران چشم باز می کنند با اتحادیه های کارگری دولتی و فساد آنها روپردازند. اگر چنین بود و در مبارزه کارگران با اتحادیه های دولتی خواست تشکیل مستقل کارگری مطرح می شد آنگاه تلقی عمومی از خواست تشکیل مستقل کارگری، مستقل از دولت بود. درست بر عکس است. این رضا شاه بود که تا چشم باز کرد خود را با اتحادیه های کارگری که به رهبری را با اتحادیه های کارگری در و توسط حزب کمونیست ایران تشکیل شده بود روپردازید. همینطور پرسش محمد رضا شاه، بنابراین این دولت و نیروهای دست راستی بودند که برای اولین بار خواست تشکلهای مستقل کارگری" را در جنبش کارگری مطرح کردند و به تشکلهای کارگری تحت عنوان وابسته بودن به احزاب چپ حمله کردند. و هدفانش جدا کردن تشکلهای کارگری از احزاب چپ و کمونیست بود. در دهه بیست و سی، دولت و مخالفان کمونیستها حتی "اتحادیه های مستقل کارگری" را نیز عنوان آگترناتیو خود بوجود آوردهند. از جمله نظری "امکا" (اتحادیه مرکزی کارگران و کشاورزان ایران) و "اسکی" (اتحادیه سندیکاهای کارگران ایران). و یا تشکیل "کنگره اتحادیه های کارگری ایران" که در زمانی که اسدالله علم در سال ۱۳۲۹ وزیر کار بود تشکیل شد و در برگیرنده "امکا" و "اسکی" هم بود. تلاش زمز آرا (هنگامی که نخست وزیر بود) برای ایجاد "کنگره اتحادیه کارگری ایران" مورد انتقاد نیروهای دست راستی نبود. حملات همین تشکل به حکومت مصدق از طرف نیروهای دست راستی تحت این عنوان که چرا در سیاست دخالت می کنند، مورد انتقاد قرار نگرفت. نزدیکی اتحادیه های کارگری به احزاب دست راستی و یا تشکیل شدن آنها توسط این احزاب و یا

متن سخنرانی رضا مقدم در سمینار کارگر امروز درباره تشکلهای مستقل کارگری

تشکل مستقل کارگری چیست؟

* باید جنبش کارگری ایران فرصت یابد تا در محیطی که آزادی احزاب وجود دارد، شکل بگیرد و درباره اینکه اصولاً در کدام سمت صحنه سیاسی ایران و در کنار کدام احزاب می ایستد تصمیم بگیرد.

عمومی از آن نمی تواند رادیکال و مترقبی باشد. در همان کردستان عراق، اتحادیه های کارگری تحت نفوذ و وابسته به اتحادیه میهنی لزومنی ندارد بگیرند. بدین معنی که سیاست تسخیر از درون منتفی است.

و یا اینکه توازن هوا اجازه نمی دهد و برگردیم به بحثمان.

یا کارگران صلاح نمی دانند که ایجاد طرفداران تشکل مستقل بمعنای مستقل از سیاست و احزاب البته مختلف دخالت فردی کارگران در سیاست نیستند بلکه با دخالت مشکل آنها در سیاست مختلف خستند. اینها هرگاه درباره گرفته اند و این تلقی اشتباہ را نزد عده ای بوجود آورده اند که اگر به اصطلاح "مستقل" باشند از حمله رژیم مصنون خواهند بود. به این نوع تلقی بعد اشاره خواهم کرد.

فعالیت سیاسی کنند. اما کارگران بطور مستقل و تحت فراخوان و رهبری تشکل از این طریق اتحادیه دولتی را تضعیف و غیر موثر کنند. اتحادیه همبستگی این یا آن حزب معین وارد صحنه شوند. آنها می کوشند استدلال کنند که البته این به نفع وحدت خود کارگران است که تشکلهای توده ای آنها در سیاست دخالت نکند و دور از احزاب باشند. استدلال آنها چنین است: کارگران در مبارزه برای خواستهای اقتصادی بعنوان مثال افزایش دستمزد و کاهش ساعت کار، بسادگی متعدد می شوند اما این مستله در مورد مسائل سیاسی صدق نمی کند. کارگران دارای نظرات سیاسی گوناگونی هستند و دخالت تشکل توده ای کارگری در سیاست به وحدت کارگران در مبارزه اقتصادی ضربه می زند.

یکی از مدافعان این نوع تشکل کارگری محمد رضا شاه بود. وی در کتاب ماموریت برای وطن می نویسد: "شرط عقل آنست که اتحادیه های کارگری را از احزاب سیاسی کاملاً جدا نگه داشت. اتحادیه های کارگری بهتر است که اساساً در راه بهبود وضع اقتصادی اعضای خود تلاش کنند و احزاب به امور کلی تری پردازند. زیرا ممکن است برخی از اعضای اتحادیه ای طرفدار یک حزب سیاسی و سایرین پشتیبان حزب دیگری باشند، و بهتر است که کشمکش‌های سیاسی داخل اتحادیه سبب تضعیف آن نگردد."

سابقه طرح

تشکل مستقل کارگری در ایران

پیدایش جنبش کارگری و تشکلهای کارگری در هر کشور ویژگی های خود را دارد. از جمله در کشورهایی جنبش کارگری مقدم بر جنبش سوپریالیستی و کمونیستی وجود داشته است. در کشورهایی این دو تقریباً پا به پای هم بوجود آمده اند و رشد کرده اند. و در کشورهایی

طبقه کارگر ایران فاقد تشکل است و ایجاد تشکلهای توده ای کارگری و مسائل مربوط به آن یکی از مهمترین مباحث جنبش کارگری است. در این میان گرایشات درونی جنبش کارگری تحت تاثیر احزاب و گرایشات سیاسی و اجتماعی جامعه هر کدام راه ویژه خود را برای ایجاد تشکلهای توده ای کارگری مطرح می کند و بخلافه معتقد به نوع ویژه ای از رابطه تشکل کارگری باشد. هیچ قانونی مبنی براینکه تشکلهای کنند، بسادگی نمیشود آنها را تغییر داد تا در خدمت منافع کارگران قرار بگیرند. بدین معنی که سیاست تسخیر از درون منتفی است.

برسمیت شناختن تشکلهای کارگری داشته باشد تا تشکلهای کارگری باشند. هیچ قانونی مبنی براینکه تشکل کارگری باشد تا از آن مزایا برخودار شوند و نه هیچ چیز دیگر. در قوانین کشور باید تنها حق ایجاد تشکل کارگران برسمیت شناخته شود و کارگران معرفت نهادن تا بهرحایی که خود تشخیص می دهند مشکل شوند. اینکه در میزبانی کشور باید تنها یک اتحادیه باشد، نظری آلمان، و یا چندین اتحادیه، نظری فرانسه، مستله ای است مربوط به توازن قوای سیاسی گرایشات درون جنبش کارگری و به قوانین و دولت بیان شکل کارگری با دولت و سیاست و دولت است.

بسیاری از جریانات، از چپ و راست، نوع رابطه مورد نظر خود را بین یک تشکل کارگری با دولت، احزاب و سیاست، تحت عنوان "تشکل مستقل کارگری" بیان می کنند. اولین سوال این است که "تشکل مستقل کارگری"

به چه معناست؟ و چه نوع رابطه ای را بین تشکل کارگری با دولت و سیاست

و احزاب مدنظر دارد؟

پاسخ یکسانی به این سوال وجود ندارد. اولین مشکل برای ورود به این

بحث فقدان یک تعییر واحد از عبارت

تشکل مستقل کارگری" است. تعییر

متفاوتی از این عبارت وجود دارد. در

هر کشور بسته به اینکه این عبارت

در چه زمانی، توسط چه کسانی و با

چه هدفی مطرح شده است، تلقی

عمری از آن با یک کشور دیگر

تفاوت دارد. این تعییر موجود هر یک

تاریخی پشت سر خود دارد و موضوع

بحث چپ و راست در جنبش کارگری و

سوپریالیستی بوده اند. بنابراین نه

میشود با یک آری یا خیر با "تشکل

مستقل کارگری" موافق شد که مطرح

کنندگان آن متعلق به کدام یک از دو

قطب اصلی جامعه اند.

به همین دلیل مطرح کنندگان "تشکل

مستقل کارگری" همیشه با این سوال

مواجعه شده اند که "استقلال از چه و

چرا؟".

دقیقاً پاسخ به این سوال است که

جایگاه سیاسی و اجتماعی مطرح

کنندگان آنرا روشن میکند. بنابراین

قبل از هر چیز باید دید مرسوم ترین

تعابیر از "تشکل مستقل کارگری" کدامند؟

در کلی ترین سطح دو تعییر از "تشکل

مستقل کارگری" وجود دارد:

۱ - "تشکل کارگری مستقل از دولت".

۲ - "تشکل کارگری مستقل از سیاست و احزاب".

تشکل کارگری مستقل از دولت

۱ - "تشکل کارگری مستقل از دولت".

۲ - "تشکل کارگری مستقل از سیاست و احزاب".

تشکل کارگری مستقل از دولت

۳ - مبارزه برای حق ایجاد تشکل

کارگری مستقل از دولت بین

در سیاستی موقع تشکلهای کارگری

دست ساز دولت چنان فاسد و ضد

کارگری هستند که حتی اگر دولت

دست از دخالت در امور آنها بردارد

مشلاً دولت در انتخابات آن دخالت

هیچ حقی در برسمیت شناختن و یا

۲ - فعالین کارگر تبعیدی و کلا آنچه که اینها فعلا در خارج کشور نمایندگی می کنند اساسا همین نوع از اتحادیه کارگری مستقل است. اینها برای اثبات مستقل بودن خود تنها به احزاب و سازمانهای چپ حمله می کنند. زیرا در صحنے سیاسی ایران مستقل بودن یک تشکل که خود را کارگری بنامد با حمله به لیبرالیسم و ناسیونالیسم و احزاب و سازمانهای دست راستی اثبات نمیشود باید علیه احزاب چپ بود.

کارگر تبعیدی حتی قبل از آنکه این نوع اتحادیه ها تشکیل شود و اعتراض برای مطالبات کارگری راه اندخته باشد پیشگام نمایندگی یک کارگر در برنامه های آمریکا برای ضدیت هیستریک علیه احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست است. در حقیقت اینها هیچ زحمتی برای انتظام خود با این "اتحادیه های مستقل کارگری" نمایندگی نمایند. اینها بدون اینکه کلاسهای آموزشی سفارت آمریکا را از سر گذرانده باشند، خمیره آنرا دارند که فعال و کادر چنین تشکلهایی باشند و یا فی الحال هستند. در نشیوه آنها هم شعار "کاهش ساعت کار تا رفع بیکاری" وجود دارد، و هم متهم کردن کمونیستها به جنایت و باغث و بائی کشته شدن کارگران مبارز. آنها در نشیوه خود هم خواهان افزایش دستمزد کارگران هستند و هم کارگران را از تماس و ارتباط با احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست بر حذر می دارند و با لعن و کلمات زننده ای در مورد سازمانها و احزاب چپ حرف میزنند. آیا آنها دارند جنسنامه را به "طبقه ممتازه" مورده نظر آقای لا جوردي عرضه می کنند؟ آیا ضدیت هیستریک و کینه ورزی آنها علیه احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست، از هم اکنون بخشی از فعالیت انتخاباتی آنها در "اتحادیه های کارگری مستقل" است؟

۳ - راه کارگر. نشیوه راه کارگر در شماره ۱۲۳، بهمن ۷۳، طی مقاله ای به قلم "حشمت" و بنام "ضرورت دفاع از استقلال تشکل اتحادیه ای!" مواضع خود را در دریاره "تشکل مستقل کارگری" بیان کرده است. این مقاله مفتوش مسائل بسیار زیادی را مطرح کرده است که نقد و بررسی همه آنها ما را از موضوع اصلی این سمینار دور می کند و آنرا باید به فرست دیگری واگذشت. با این حال بد نیست به چند نمونه آن مختصرا اشاره کنم.

مقاله راه کارگر دارای حکم های شدیدا نادرستی است. به بعضی از آنها توجه کنید.

* در مقاله نوشته شده است که: "سازماندهی حزبی کارگران اساسا وسیله ای برای کمک به باز تولید مبتازه اتحادیه ای است و یکی از شرایط دوام و بقاء مبارزه اتحادیه ای، اینستکه سازماندهی حزبی کارگران تحت هیچ شرایطی منطق مبارزه اتحادیه ای را نادیده نگیرد". از آنجا که این مقاله در راه کارگر نوشته شده است باید فرض را بر این گذاشت که منظورش از سازماندهی حزبی کارگران، سازماندهی کارگران در یک حزب کمونیستی است. بنابراین باید گفت سازماندهی حزبی کارگران آساسا وسیله ای برای انقلاب آنهاست.

سراسر دو دهه بعد ادهمه‌سی و چهل برباتنایی کبیر و ایالات متحده متمایل به توسعه اتحادیه های کارگری در ایران بودند: هر دو کشور "وابسته کارگری" به سفارتخانه های خود در تهران اعزام داشتند و افرادی را که می توانستند کارگران ایران را رهبری کنند برای سفرهای مطالعاتی به کشورهای خود دعوت می کردند. بعلاوه، سمینارهایی دریاره اتحادیه های کارگری برگزار می کردند و فیلمهایی به نمایش گذاشتند که نشان میداد چگونه کارگران انگلیسی و آمریکایی مشکل شده با کارفرمایان مذاکره می کنند و گاهی نیز دست به اعتضاب می زنند".

"از سال ۲۳ تا ۴۰ نزدیک به شصده کارگر در برنامه های آمریکا برای پیروزی کار و رهبر کارگری در آمریکا و ایران شرکت کردند". اینها قرار بود رهبران و ستون فقرات تشکلهای کارگری مستقل" یعنی نظر برای کارگر جاذبه داشته باشند، با خواستهای کارگری را مطرح کنند، با کارفرمایها مذاکره کنند و گاهی اعتضاباتی را نیز راه بیاندازند. در مهتر از همه ضد کمونیست باشند و جلوی رشد کمونیسم را در جنبش کارگری بکیرند. اصولاً "اتحادیه های مستقل کارگری" برای این خواستهای کارگری را مطرح می کنند و یا اعتضاب راه می کنند و یا علیه کمونیسم مبارزه کنند.

آقای لا جوردی از حسن نبی زاده که در

برنامه های آموزشی ایالات متحده آمریکا شرکت کرده است و ایالات متحده وی را "کارآئیت‌سین رهبر سندیکایی اصفهان" می داند بعنوان یکی از "رهبران راستین کارگران" یاد می کند. اشکالی ندارد که فعالین کارگری را ببرند انگلستان و آمریکا آموزش دهند و یا توسط سفارتخانه های آنها تدبیر شوند. مسئله این است که ارتباطی با کمونیستها و احزاب چپ نداشته باشند.

اتحادیه هایی که توسط کمونیستها تشکیل می شود وابسته است اما اتحادیه هایی که بنیان گذارانشان در آنها را از کشورهای رویه توسعه "بحث منطقی را مطرح کرده بود بز این پایه که در اتحادیه های کارگری مستقل تدبیر موثری برای مبارزه با نفوذ کمونیسم است. این استدلال بر اساس بخشی در دریاره نقش اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف جهان سوم از هند تا توپ استوار بود.

پرشی که در آن زمان برایم مطرح شد این بود که اگر اتحادیه های کارگری با ارائه جایگزین پروژه ای در

کشورهای توسعه کشیده باشند

که در عین حال از رشد کمونیسم

در درون اتحادیه های که کل سیستم را

به خطر می اندازد جلوگیری کرد. زیرا

نقض غرض است که توسعه اقتصادی

که هدف مناعت از "افتادن کشورهای

جهان سوم به دامان کمونیسم" است

خودش موجب تقویت کمونیستها شود.

پاسخ این نشانی اینست که اتحادیه های کارگری مستقل، خود از پیشگامان

مبارزه با کمونیسم هستند.

به مشخصات اتحادیه های کارگری

مستقل که وی به پیری از او خواهیم کرد

دقیق نمایند و آنرا با شوراهای اسلامی

ایران است. جرج لاج معاوضه

جان اف. کنید بود. و کتابش در دفاع

از تز "انقلاب سیز" کنید است که در

ایران به انقلاب سفید معروف شد.

هدف از این انقلاب توسعه کشورهای

"عقب مانده" بود تا بتوانند در مقابل

کمونیسم تاب بیارند. در این کتاب که

در یکی از دورانهای اوج جنگ سرد

نوشته شده است دمکراسی یعنی ضد

کمونیسم. جرج لاج در این کتاب

توضیح می دهد که چگونه اتحادیه

های کارگری مستقل میتوانند نوک تیز

حمله نیروهای دمکراسی علیه کمونیسم

باشند.

به پیروی از همین نشان خواهد

مذکراه می کنند، آنها لزوما مزدور کارفرما و یا وابسته به دولت نیستند و گاهی اعتضاباتی را نیز راه می اندانند، اما از نظر سیاسی ضد کمونیست هستند و خودشان عملی یکی از ابزارهای مهم رؤیم در مبارزه با احزاب و اجزای لا جوردی می شوند.

آقای لا جوردی می گوید "نه این نتیجه رسیدم که این درست که اتحادیه های

در جنگ چپ صحنے سیاسی کشور مستقل کارگری است، از آنجا که نوع دریاره اتحادیه های کارگری برگزار می کند و فیلمهایی به نمایش گذاشتند".

این اندزهای آقای لا جوردی به نسل بعدی تنها کشوری که هم‌زمان با پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی در مسیر توسعه کشوری دمکراتیک، اجازه می دهد که برای کارگری مستقل جایگزین پروژه ای را در توانش گذاشتند.

این اندزهای آقای لا جوردی به توانز

قوای معین آن زمان آلت دست

نیروهای دست راستی علیه اتحادیه

های چپ بزندند. این اتحادیه های

هنگامی نزد نیروهای دست راستی و

دولت عزیز بودند که اتحادیه های

رادیکال و نزدیک به احزاب چپ وجود

داشتند. دولت وقتی اتحادیه های

کارگری نزدیک به چهارها را از بین برد

دیگر به اتحادیه های مستقل از احزاب

چپ نیز اختیاری نداشت. تشکلهای

کارگری مستقل نزد دولت و نیروهای

دست راستی این کتاب به بهترین شکلی

تزمیز میدهد.

این اندزهای آقای لا جوردی یکی از تشوریهای

رایج اقتصاد توسعه است که می گوید:

توسعه اقتصادی و اجتماعی بدون

اشتباه شاه در رابطه با جنبش کارگری

همانها میدان نداد و یا ایجاد نکردن

چهارها بود. هنگامی که چهار سرکوب

از نظر اقتصادی و اجتماعی نبود.

تشکلهای داری ایران به تشکلهای کارگری

دست ساز دولت و عمیقاً وابسته به

دولت نیاز دارد. هم شوراهای اسلامی که

التزام عملی به ولایت فقیه دارند از

هزینه جنبدند.

این اندزهای آقای لا جوردی اینست که

نمی خواهد تشکل کارگری همچنانی

بر خواست تشکل کارگری پرگشان بود.

پافشاری می کرده است که اتحادیه

های کارگری چپ و رادیکال وجود

داشته اند. آنها نیز مانند رژیم

هنگامی که اتحادیه های رادیکال و

چپ سرکوب شده کارگری آنها از

گشته شده. کمونیسم کاهش یافتد

تشکل مستقل کارگری و اصولا طرح

مطلوبات کارگری را فراموش کردند و

خود را بر سر این مسائل با دولت

سرشاخ نکردند.

حضرورشان در جناح راست صحنے سیاسی مورد انتقاد نیروهای دست راستی نبود. اتحادیه های کارگری نباید توسط احزاب چپ تشکیل شود و نباید در جناح چپ صحنے سیاسی کشور مستقل کارگری مورد نظر این کتاب است که اتحادیه های

حضروری فقط در رابطه با اتحادیه های کارگری می داشت. این اتحادیه های همان چیزی است که لیبرالیسم ایران می خواهد و همچنین از آنجا که

این اتحادیه های آقای لا جوردی به توانز قوای معین آن زمان آلت دست

نیروهای دست راستی علیه اتحادیه

های چپ بزندند. این اتحادیه های

هنگامی نزد نیروهای دست راستی و

دولت عزیز بودند که اتحادیه های

رادیکال و نزدیک به احزاب چپ وجود

داشتند. دولت وقتی اتحادیه های

کارگری نزدیک به چهارها را از بین برد

دیگر به اتحادیه های مستقل از احزاب

چپ نیز اختیاری نداشت. تشکلهای

کارگری مستقل نزد دولت و نیروهای

دست راستی این کتاب به بهترین شکلی

تزمیز میدهد.

این اندزهای آقای لا جوردی به توانز

ریزی شاه از زوایای گوناگونی مورد

بررسی قرار گرفته است. در این م

سِنَةِ مُحَمَّدٍ

را که هیچکس نمی تواند مانع ورود
معیارهای سیاسی و ایدئولوژیک در آن
شود را با فعالیت سیاسی متحده کرد و
متحده نگه داشت. این کار دشواری
است و نیازمند یک فعالیت وسیع و
عمیق در میان کارگران است. این تنها
راهی است که به مقصد میرسد. راه
میان بری وجود ندارد. فقط در کشورهایی
می توان کارگران را حتی در جبهه
اقتصادی متحده کرد و برای مدتی
طولانی متحده نگه داشت، که یک یا
چند خط مشی سیاسی، اکثريت بیابند
و به توافق برسند.

بطور مثال وجود تنها اتحادیه های زیر
نفوذ سوییال دموکراتها در کشورهای
شمال اروپا، نروژ، دانمارک، سوئد و
آلمان وجود اتحادیه های زیر نفوذ
سوییال دمکراتها و کمونیستها در
اسپانیا و فرانسه نشان میدهد که در
کشورهای دسته اول سوییال دمکراسی
حاکمیت دارد و کارگران در جبهه
مبازه اقتصادی بطور سراسری در یک
اتحادیه متحده هستند. این اتحاد در
فرانسه و اسپانیا (صرف نظر از درصد
کارگران عضو اتحادیه) تنها در مواردی
پیش می آید که اتحادیه های کارگری
زیر نفوذ کمونیستها و سوییال دمکراتها
با هم به توافق برسند و همکاری کنند.
با تزعدم دخالت اتحادیه های کارگری
در سیاست و احزاب نمی توان کارگران
را در فرانسه یا اسپانیا در یک اتحادیه

۲ - در مقاله راه کارگر نوشتہ شده است "اگر مبارزه فعال کارگری در عرصه اقتصادی صورت گیرد، و کارگران علیرغم گرایشات سیاسی - ذکری مختلف، اتحاد خود را در این زمینه حفظ کنند، زمینه مساعدی برای گسترش ایده های چپ بوجود می آید. مثلاً همه جا نفوذ احزاب "چپ" از احزاب راست بیشتر است، کشورهای انگلیس و آلمان نمونه گویای این وضع هستند. اتحادیه های هر دو کشور عملما زیر نفوذ احزاب سوسیال دمکرات هستند تا محافظه کار، اگرچه امکان دارد بین احزاب و اتحادیه ها هماهنگی موجود باشد، اما معمولاً کارکرد و آرایش مبارزه اتحادیه ای با فعالیت و سازمان یابی سیاسی تفاوت قابل ملاحظه ای دارد." موضع راه کارگر درباره رابطه اتحادیه های کارگری و احزاب در اروپا و ایران بسیار متفاوت است. در این قسمت از مقاله، راه کارگری که طرفدار اتحادیه های کارگری مستقل از دولت و احزاب و سیاست در ایران است به رابطه اتحادیه های کارگری آلمان و انگلستان با احزاب سوسیال دموکرات نه تنها انتقادی ندارد بلکه می گوید اگر گرایشات مختلف در مبارزه اقتصادی متعدد باشند "زمینه مساعدی برای گسترش نفوذ چپ بوجود" می آورند. بعداً به این مسئله بر خواهم گشت اما ابتدا بینیم این تز بر چه احکام ناویست: ناچار است؟

الف: بر خلاف حکم راه کارگر "در کشورهایی که اتحادیه های متعدد وجود ندارد، تقریباً در همه جا نفوذ احزاب چپ از راست بیشتر نیست. بعنوان مثال در کشورهایی که یک اتحادیه مدل آمریکایی یعنی "اتحادیه های مستقل کارگری" وجود دارد و مشخصه

نیستیم؟ وحدت کارگران در چنین اتحادیه ای را چگونه می توان حفظ کرد؟ اصولا آیا اتحادیه توان متعدد نگه داشتن کارگران را در چنین شرایطی دارد؟ کارگرانی که مخالف افزایش دستمزد در دوران جنگ هستند این نظر خود را از جنبش های اجتماعی جامعه و احزاب سیاسی آن گرفته اند و توسط آنان قاتع شده اند. اتحادیه به تنها قدرت تغییر نظر آنان را ندارد. جنبش های اجتماعی و احزابی در همان مقیاس میتوانند بر نظر کارگران تاثیر بگذارند. ساده انگاری است اگر فرض کرد که کارگران صرفاً توسط فعالیتهای خود اتحادیه متعدد میشوند و یا مترقب میگردند. اتحاد کارگران در هر اتحادیه قبل از هر چیز حاصل فعالیت سیاسی گرایشات و احزاب سیاسی در جامعه است. اتحادیه هایی که زیر نفوذ یک جنوب هستند بخشنده از محدث دارند.

نوبت مسند پسری از وحدت درویش خود را مدیون آن حزب معین هستند. آن حزب است که کارگران را بر سرمسائل پایه ای تری متعدد می کند تا اتحادیه بتواند وحدت خود را در مبارزه اقتصادی حفظ کند.

بیاد دارید که چند ماه قبل اختلاف دولتهای اسپانیا و کانادا بر سر حدود آبهایی که می توانند در آن ماهیگیری کنند، کارگران ماهیگیر دو کشور را به شعار دادن و تظاهرات علیه یکدیگر کشاند. آیا با تز با معیارهای سیاسی و ایدئولوژیک وحدت کارگران را شقه شقة نکنید می توان مانع چنین وقایعی شد؟ آیا اتحادیه برای ممانعت از چنین جیزی نباید به نقد ناسیونالیسم پردازد و از این طریق خود را با تمام احزاب و عقاید ناسیونالیستی جامعه و از جمله بخشی از اعضای خود در بیاندازد؟ حفظ اتحاد تشکل کارگری خود حاصل یک مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک است و نه فرار از این مبارزه.

ایا تاکنون کارگران متعدد خواهان افزایش
دستمزد را نطق یک سیاستمدار بورژوا
و یا رهبر یک اتحادیه با اجتناب
نپذیر بودن سفت کردن کمر بندها و
ربایضت کشی اقتصادی متفرق نکرده و
به سر کار نفرستاده است؟ آیا در چنین
شرایطی باز مدافعان "شقه شقه نکردن"
می توان کارگران را متعدد نگه داشت
و مانع پایان دادن به مبارزه شد؟ آیا
آنهایی که با نطقهای عمیقاً سیاسی
کارگران اعتصابی را بر سر کار می
فرستند و یا قانعشان می کنند که
حتی با غر و لند با کاهش دستمزدشان
موافقت کنند، بهتر از راه کارگر مکانیسم
های تصمیم گیری کارگران نمی شناسند؟
اینکه وجه مشترک کارگران در مبارزات
اقتصادی برای کارگران ملموس تر است،
اینکه کارگران در مبارزه برای منافع
اقتصادی خود با دشواری کمتری متعدد
می شوند تا در عرصه سیاست و جهان
بینی، نباید به فرمول بندی ساده انگارانه
و عوامانه "شقه شقه منجر شود. وجود
خط طولی از ... انشا شک مخفیانه

مکون سیسی و ایدنلوریک ساخت
در درون طبقه کارگر بخشی جدایی
نایدیز از موجودیت خود طبقه کارگر
است. باید علیرغم اینها و با بررسیت
شاختن وجود آنها کارگران را در جبهه
مبازه اقتصادی متعدد کرد و متعدد
نگه داشت. تز با معیارهای سیاسی -
ایدنلوریک صفوں کارگران را شقه
شقه نکنید راه حل نیست. به نتیجه
نمی رسد. تشوری ساختن از یک ضعف
است. باید جبهه مبارزه اقتصادی کارگران

تشکلهای کارگری از احزاب و سیاست بر پایه غلطی بنا شده است. فرض این استدلال این است که کارگران در مبارزه برای "بهبود وضع اقتصادی خود" بنابر تعريف متعدد هستند و لذا تشکل این جبهه از مبارزه هم متعدد میماند اگر معیارهای سیاسی را در آن دخیل نکنیم. چنین نیست. کارگران را باید در مبارزه اقتصادی متعدد کرد و متعدد نگه داشت. و این خود نیازمند یک فعالیت اساساً سیاسی است. فعالیتی که در یک جمله و برای طولانی نشدن بحث می‌توان بدین شکل بیان کرد: آگاه کردن کارگران از "عملکرد سیستم سرمایه داری". اتحادیه و یا هر نوع تشکل کارگری دیگر برای متعدد کردن اعضاش در مبارزه اقتصادی کدام نظریه را درباره "عملکرد سیستم سرمایه داری" در میان کارگران تبلیغ و ترویج می‌کنند.

گفتن اینکه اتحاد کارگران را در مبارزه اقتصادی و در نتیجه تشکل این جبهه از مبارزه را با معیارهای سیاسی شقه نکید در بهترین حالت اگر عوام فربانه نباشد شدیداً ساده انگارانه است. زیرا اتحاد اکثریت کارگران در یک اتحادیه اصولاً با دست بالا پیدا کردن یک اندیشه سیاسی درباره جامعه سرمایه داری در بین اکثریت کارگران عضو آن بدبست می‌آید و نه دوری اتحادیه از سیاست و احزاب. این نیز حاصل مبارزه سیاسی احزاب و طبقات در جامعه و بروزه در میان کارگران است. اگر خط مشی سوسیال دمکراتی حاکم شود، کارگران را با مباحث و استدلالهای معینی می‌توان به مبارزه کشاند و یا کارگران اعتمادی را به سر کار فرستاد بدون اینکه هر بار موجودیت تشکل آنها زیر سوال برود و در آستانه از هم پاشیدن قرار بگیرد. در چنین صورتی اکثریت

این کارگران متحدا وارد مبارزه میشوند. و متحدا دست از مبارزه میکشند. کارگران پرونیست، سوپیال دمکرات و کمونیست هر یک درک متفاوتی از منافع اقتصادی طبقه کارگر و رابطه اش با سیستم سرمایه داری دارند. مشلا اتحادیه معدنچیان انگلستان رسیدن به سوپیالیسم و مبارزه برای آنرا یکی از اهداف خود تعریف کرده است. نمی شود همه این تشکلهای کارگری و کارگران آنرا با استدلالها و مباحث یکسان به مبارزه کشاند و یا به مبارزه شان پایان داد.

یک مثال فرضی، یک اتحادیه کارگری در دوران جنگ ایران و عراق جلسه ای برگزار میکند تا کارگران بعد از شنیدن اظهار نظر یکدیگر درباره خواست افزایش دستمزد تصمیم بگیرند. کارگران طرفدار راه کارگر خواهان از خود گذشتگی کارگران در دوران جنگ و افزایش تولید هستند. کارگران طرفدار اکثریت و حزب توده همراه با انجمان و شورای اسلام نه تنها مخالف افشا

دستمزد هستند بلکه خواهان افزایش تولید نیز می باشند. بخشی از کارگران هم خواهان افزایش دستمزد هستند. آیا بحث طرفین چیزی جز بحث سیاسی است؟ آیا می توان گفت وحدت کارگران را با معیارهای سیاسی - ایدئولوژیک شقه شقه نکنید، ما خواهان افزایش دستمزد هستیم؟ و بر عکس، میشود همین عبارت شقه شقه نکنید را تکرار کرد و گفت خواهان افزایش دستمزد

←
کارگری است و نه اساسا برای کمک به باز تولید مبارزه اتحادیه ای. حزب برای سازماندهی یک انقلاب سوسيالیستی از جمله برای سازماندهی جبهه اقتصادی کارگران هم فعالیت می کند. فلسفه وجودی حزب اساسا برای باز تولید مبارزه اتحادیه ای نیست.
* بهترین راه مبارزه علیه بوروکراسی اتحادیه، هدف تبدیل شدن مانند عالم

آریستوکراسی کارگری، بوروزاده ایشان را در مورد این پرسش می‌پرسید: "چهارمین پرسش: آریستوکراسی کارگری، پذیرش آزادی اتحادیه است". منظورش اینست که تنها یک اتحادیه در کشور وجود نداشته باشد. در فرانسه و اسپانیا هم کمونیستها، هم سوسیالیستها و هم آنارکوستدیکالیستها اتحادیه های کارگری خود را دارند. آیا اینها مانعی در مقابل بوروکراسی اتحادیه ای بوده اند؟ در ترکیه نیز هم اتحادیه حق ایشان (اسلامی)، هم دیسک (چپها) و هم ترکیش وجود دارد. آیا بوروکراسی اتحادیه ها در این کشور کمتر است؟ بوروکراسی اتحادیه مسئله ای است مربوط به سیاست و ساختار اتحادیه که مانع اعمال اراده مستقیم کارگر است. سیاستها و اهدافی که اتحادیه دارد نه تنها به وی اجازه نمی‌دهد که به اعمال اراده مستقیم کارگری و مجمع عمومی کارگران در محل کار میدان دهد، بلکه علیه آن است.

* اتحادیه هایی که دست ساز احزاب هستند همانقدر به بیراهه می روند که احزاب دست ساز اتحادیه ها". خیر. چنین نیست. بستگی به این دارد که این تشکلها چه اهداف و سیاستهایی دارند. آنچه که اتحادیه ها و احزاب را به بیراهه می برد سیاستها و اهداف آنهاست و نه نوع رابطه ای که آنها باهم دارند و یا چگونگی تشکیل شدن آنها.

اما نظر راه کارگر در مورد تشكل مستقل کارگری. بر اساس مقاله "ضرورت دفاع از استقلال تشكل اتحادیه ای!"، از نظر راه کارگر اتحادیه باید مستقل از دولت و احزاب و سیاست باشد. مقاله نشیره راه کارگر لزوم استقلال اتحادیه از دولت و حزب را صریحاً و مستقیماً می‌گوید اما از اینکه صریحاً بگوید و بنویسد که "اتحادیه باید مستقل از سیاست باشد" فعلاً طفره می‌رود. نشیره راه کارگر نشته است:

از نظر موقنه است. اینستکه استقلال اتحادیه بمعنای اینستکه اتحادیه وابسته به دولت نباشد، یک سازمان اساساً غیر خوبی باشد، و کارکرد آن تابع این یا آن حزب نباشد، چه حزب کارگران و چه حزب سرمایه داران. احزاب کارگری و سوسیالیستی این استقلال را برخلاف نظر ترسکی نه تنها بلحاظ حقوقی، بلکه از نقطه نظر سیاسی نیز، باید برسمیت بشناسند.

ای است و آنها مخالفند.
بنابراین سوال اینست که آیا دخالت اتحادیه در سیاست به اتحاد کارگران در مبارزه اقتصادی ضریب می زند؟ آیا برای حفظ اتحاد کارگران در مبارزه برای منافع اقتصادی و حفظ وحدت تشکل این جبهه از مبارزه کارگران، باید اتحادیه از دخالت در امور سیاسی خودداری کند؟
این استدلال رایج در دفاع از دوری خیلی مختصر به استقلال حقوقی تشكیل کارگری از احزاب اشاره می کنم. موضوع ترسکی که نشریه راه کارگر با آن مخالف است یکی از موضع معتبر و سنتی کمونیستها در قبال تشکلهای کارگری بوده است. بدین معنی که یک تشکل کارگری بهر میزانی که یک رابطه تنگاتنگ سیاسی، مالی و تشکیلاتی با احزاب چپ داشته باشد، استقلال حقوقی خود را حفظ خواهد کرد. یعنی

اشکالی ندارد. اگر اختلافی با آن تشکل کارگری وجود داشته باشد بر سر سیاست هایی است که آن تشکل دارد و بعلاوه اینکه آیا به اعمال اراده مستقیم کارگری میدان میهدد یا نه. اینکه یک تشکل کارگری به کدام حزب نزدیک است و چه نوع رابطه ای با یک و یا چند حزب برقرار میسازد مسئله ای مربوط به خود آن تشکل کارگری است و تعیین کننده آن خود اعضای آن تشکل هستند. قوی شدن و ضعیف شدن یا نزدیک شدن و دور شدن یک تشکل کارگری از یک یا چند حزب معین مسئله ای کاملاً سیاسی است و همواره در جریان است. هیچ قانونی نباید سروش این مبارزه سیاسی را از پیش و به نفع یکی از طرفین حل و فصل کند. باید جنبش کارگری ایران فرست یابد تا در محیطی که آزادی احزاب وجود دارد، شکل بگیرد و دریاره اینکه اصولاً در کدام سمت صحنه سیاسی ایران و در کنار کدام احزاب می‌ایستد تصمیم بگیرد. نفع جنبش کارگری ایستاند در جناح چپ جامعه است. *

بنابراین اینکه قانون شوراهای اسلامی در مجلس به تصویب رسیده است و شوراهای اسلامی بر اساس این قانون تشکیل شده اند کافی است تا شوراهای اسلامی از نظر ما مردود باشند. مجلس تعیین کرده است که نمایندگان کارگران باید دارای چه مشخصاتی باشند. تضمیم گیری در خواسته را مطالبه کارگری و مسائل مربوط به آن در حوزه اختیارات مجلسها و دولتها نیست و تنها به کارگران مربوط است. مسئله چگونگی رابطه یک تشکل کارگری با احزاب مسئله داخلی یک تشکل کارگری است و به دولت ربطی ندارد. این تنها کارگران هر تشکل هستند که نوع رابطه خود را با احزاب تعیین میکنند. تنها خود اعضای یک تشکل کارگری تعیین می‌کنند چه نوع رابطه مالی، سیاسی و تشکلاتی با احزاب برقرار می‌کنند. از نظر ما اینکه یک تشکل کارگری تحت نفوذ یک حزب باشد و یا یک رابطه تنگاتنگ سیاسی، تشکلاتی و مالی با یک و یا چند حزب داشته باشد بخودی خود

بقیه از صفحه ۵

درباره ضرورت و چگونگی مبارزه برای تشکیلات مستقل کارگری

از امکانات مبارزه علی "نژ گرایشی" از جنبش کارگری که من آنرا گرایشی راست میدانم به نوعی موافق است. این فعالیت در شوراهای اسلامی است. چند سال قبل فدایی اکثرب تحت عنوان "کاریست قوانین فعالیت مخفی علی" خواستار فعالیت در شوراهای اسلامی بود. بنابراین اگر منظور از "تا چه حد" به "میزان مجاز" فعالیت در شوراهای اسلامی و استفاده از امکانات آنها بر میگردد من مخالف فعالیت در شوراهای اسلامی هستم.

در حال حاضر خود شوراهای اسلامی که از طرف رئیم، کارگران و مدیران جدید کارخانجات زیر فشار و منگنه هستند میکوشند تا با استفاده از امکاناتی که دارند بر اعتراضات و مطالبات کارگری سوار شوند و جایی برای خود دست و پا کنند. بنظر می‌رسد که تلاش شوراهای اسلامی برای جلب گرایشات دیگر از طریق تشویق آنها برای استفاده از امکانات علی شوراهای اسلامی یکی از سیاستهای خود این تشکلهای ضد کارگری است. بعارت دیگر این امکانات شوراهای اسلامی است که از گرایشات دیگر استفاده می‌کند و نه بر عکس.

به نظر من تشویق کارگران برای فعالیت در شوراهای اسلامی، تشویق مسلمان نمایی، فعالیت تحت نام حزب الله، مجیز گویی رئیم اسلامی و ولایت فقیه است. بعلاوه آنکه آن بخش از کارگران که با ظاهری به وفاداری به اسلام و رئیم از سد هیئت‌های تعیین صلاحیت گذشتند و انتخاب شدند با مزدوران رئیم در شوراهای اسلامی محسنو شدند و کارگران را نسبت به خود بدین کردند و از اموری که نفوذی را که طی سالها فعالیت کارگری بدست آورده بودند از دست دادند. جنبش کارگری ایران از نظر کادر و فعل فقیر تر از اینست که حتی بتوان بفکر رسک از بین رفتن نفوذ و موقعیت آنها در فعالیت در شوراهای اسلامی افتاد. *

بنابراین اینکه قانون شوراهای اسلامی در اتحادیه های ای از ارتباط آن تشکل کارگری با احزاب چه است. مثلاً اگر حزبی یک خواست کارگری را مطرح کند - مثلاً ۳۰ ساعت کار در هفته را - آن تشکل کارگری باشد. تضمیم گیری در خواسته را مطالبه باشند. تضمیم گیری نمیتواند آن خواسته را خود اعلام کند، زیرا نشانی از وابستگی آن تشکل به آن حزب معین بحساب می‌آید. در یک جمله برای اینکه تشکل کارگری و احزاب در ایران اشکالی ندارد تقریباً شیوه مبارزه علیه احزاب کمونیست باشد تا دولتها باور کنند که با آن احزاب ارتباطی ندارد. این همان تشکل مستقل کارگری ضد کمونیستی است که مدافعان راگش خواهد رفت.

درست عکس چیزی است که راه کارگر برای کارگران ایران می‌خواهد. راه کارگر مواضع در مقابل رابطه اتحادیه ها و احزاب در ایران را برای اتحادیه های انگلستان و آلمان نمی‌فرستد تا آنها را ارشاد کند. زیرا راه کارگر می‌داند که این مواضع نزد کارگر آلمانی و انگلیسی اگر نخواهند بگویند تاچریستی خود اعلام کند، زیرا نشانی از وابستگی است. اما اگر یک حزب ایرانی بگویند که رابطه اتحادیه های کارگری و احزاب در ایران خاطر نیست که "گرایشات سیاسی - فکری مختلف" اتحاد خود را در عرصه مبارزه اقتصادی حفظ کرده اند. در انگلستان که اصولاً اتحادیه ها خودشان حزب کارگر را درست کرده اند.

در انگلستان باید از اینکه حزب کارگر زیر نفوذ اتحادیه هاست حرفاً زد و نه بر عکس. هر چند طی پانزده ساله اخیر حزب کارگر با یک سرعت دانما رو به افزایش میکوشد تا بند ناف خود را از اتحادیه ها ببرد. در آلمان نیز این اتحادیه ها توسط سوسیال مکراسی ایجاد شده است. اتحادیه های کارگری آلمان اتحادیه های اتحادیه گرایشی نیست. نفوذ چپ (سوسیال مکراسی) در اتحادیه های کارگری آلمان بین علت نیست که گرایشات مختلف اتحاد خود را در عرصه مبارزه اقتصادی حفظ کرده اند. اگر در آلمان فقط یک اتحادیه کارگری وجود دارد بین علت است که سوسیال مکراسی در جنبش کارگری آلمان کاملاً دست بالا دارد.

این اتحادیه های زیر نفوذ سوسیال مکراتها در کل اروپا نه تنها اتحاد گرایشات حفظ نشده است بلکه نیروهای رادیکال و کمونیست در آن بطور دائم و سیستماتیک محدود، اخراج و سرکوب شده و می‌شوند. آنچه این اتحادیه ها بر سر گمینیستها در جنبش کارگری آلمان کاملاً دست بالا دارد.

این استدلال می‌خواهد با زبان خوش به کارگران اعلام کند که کمونیسم در کشورهای دیکتاتوری متنوع است و کارگران باید آنرا درک کنند. خودشان چپی نباشند و دور و بر احزاب و جریانات چپ هم پیدا شان شود و گرنه احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم "فرزندان طبقه ممتازه" مورد نظر آقای لاجوردی، هم احزاب و سازمانهای قدیمی و سنتی می‌باشد. پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی تشکلهایی که ایزار مبارزه دولت و نیروهای دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها" پیوسته اند، تلاش چپی نباشند و دور و بر احزاب و مطالبات کارگری را با سیاست و دولت و احزاب به میان میکشد. بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون هم فریاد این است. خود تاریخ ایران پس از کودتای سال ۲۲ بخوبی آنرا نشان میدهد. پس از کودتای سال ۲۲ دیدیم که رئیم شاه حتی دست خواهند کرد تا نمونه آمریکایی "تشکل چپ و لیبرالها

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Page 16, Vol 6, NO 55, September 1995

صفحه ۱۶، سال ششم، شماره ۵۵، شهریور ۱۳۷۴

بوریس کاگارلیتسکی:

ارنست مندل در گذشت

در روسیه هیولای نئولیبرالیسم در آزمایش است

در طول چند سال گذشته جنبش اتحادیه ای شوروی زیر ساخت ترین آزمایشها قرار گرفته است و با تشکیل کمیسیون موسوم به "کمیسیون سه گانه" متشكل از دولت و کارفرماها، اتحادیه های کارگری سختیهای طاقت فرسانی را جهت ثابت نگه داشتن دستمزدها و بهبود وضعیت اجتماعی کارگران متهم شده اند.

یلتینین. هستند پر از مغازه های ساندرویچ فروشی است و اختلاف وضعیت زندگی شان با طبقه محروم و ندار از لباسهایشان پیداست.

حضور مافیا

مسافری که به مسکو برود، حضور مافیا را بطرز عیان احساس خواهد کرد. بغير از تعدادی هتلها که توسط گاردهایی از دولت کرایه شده و تحت مراقبت و محافظت می باشند، اکثر سریعه های ترانسپورت، شرکتهای تاکسی‌سیرانی، هوابی‌سیماهی و غالب هتلها تحت نظر و نفوذ مافیا هستند. مدتی قبل رئیس جمهور "بوریس یلتینین" حقوق گاردها را از ۶۰ هزار روبل به ۲۰۰ هزار روبل افزایش داد و علتی بعد از گذشت چندین روز آشکار گشت.

بقیه در صفحه ۵

تضاد طبقاتی آشکار

کسی که با چشم انداز نظاره گر وضعیت کنونی در روسیه باشد، مشاهده خواهد کرد که خیابانها پر از گدا و گرسنه است و روپیه ها برای لقمه نانی به هر کوی و بزرگی سر می کشند و تن فروشی می کنند. حضور "مافیا" عیان است. مردم عادی در بازارها، ایستگاهها و تونلهای زیر زمینی مشغول خرید و فروش اشیای دست دوم هستند. در این محلها میتوان همه چیز از جمله چکمه پاره تا توله سگ را مشاهده کرد. حقوق یک نفر بازنیسته ۱۴ هزار درصد تا ۵۱ درصد تا پایان سالجاري خواهد بود. زیرا در یکسال و نیم گذشت و به نسبت سال ۱۹۹۱، تولید ۴۲ درصد و سرمایه گذاری ۵۰ درصد کاهش یافته کند. در حالیکه قیمت یک ساندرویچ ۲ هزار روبل است. اگر هر کارگر بخواهد همراه خانواده اش یک ناهار نسبتاً خوب در رستوران بخورد، بایستی نصف حقوق ماهیانه اش را بپردازد. در محلهایی که ساکنین آن در وضع خوب بسر می بردند و همه طرفدار تند و تیز

تلخیص شده از نشریه "آربیاتارز تیدنینگن"، چاپ سوئد

ترجمه: یوسف رسولی

بوریس کاگارلیتسکی یکی از چهره های سرشناس چپ در روسیه و یکی از بنیانگذاران حزب کار روسیه است. شرطهای صندوق بین المللی پول که موجب کسری بودجه دولت شده تا وام بیشتری را بگیرد، خطیز کاملاً جدی چهت افزایش بیکاری از ۲۰ درصد تا ۵۱ درصد تا پایان سالجاري خواهد بود. زیرا در یکسال و نیم گذشت و به نسبت سال ۱۹۹۱، تولید ۴۲ درصد و سرمایه گذاری ۵۰ درصد کاهش یافته است.

ایجاد شکافی عمیق بین مردم ثروتمند و فقیر شده است. در یک مدت زمان خیلی کوتاه و بطرور غیرمنتظره ای ۲۰ درصد از مردم به وضعیت خوبی دست یافته اند و بقیه در اوخر دهه ۶۰ زندگی را سپری می کنند. فاصله طبقاتی کاهش ۳۰ درصد دستمزدها موجب نوشتہ ها و تشوریهای مندل در مورد مارکسیسم در بسیاری از کشورها معروف بود. بطور مثال زمانیکه تشوریها و تبلیغات انتلابی در میان قشر وسیعی از جوانان در اوخر دهه ۶۰ طرفدار پیدا کرد، ورود وی به بسیاری از کشورها از جمله آمریکا، فرانسه، آلمان غربی، سوئیس و استرالیا متنوع شد، چهار برابر شکافیست که در بریتانیا وجود دارد.



ارنست مندل، یکی از پیش کسوتهای تشوری مارکسیستی بعد از جنگ جهانی دوم و یکی از رهبران اصلی انترناسیونال چهار، ۲۰ ژوئیه در سن ۷۲ سالگی چشم بر جهان فرو بست. تحلیل ارنست مندل از رشد سرمایه داری موجب شهرت وی شد و وی را آثار معروف ارنست مندل، از جمله "تئوری اقتصادی مارکسیست"، "سرمایه داری و اپسین" و "امواج بلند توسعه سرمایه داری" هستند. کتابهای ارنست مندل به ۳۰ زبان ترجمه شده است. نوشته ها و تشوریهای مندل در مورد اثناشی با تئوری اقتصادی مارکسیسم بیش از نیم میلیون نسخه بفروش رفت. همه جانبه بودن ارنست مندل از خصوصیات بر جسته شخصیت وی بود و در جهت آشنایی با مارکسیسم نگاشته شده است. کتاب معروف ارنست مندل، "اثناشی با تئوری اقتصادی مارکسیسم" بیش از نیم میلیون نسخه بفروش رفت. نش ارنست مندل با زیانی بسیار ساده در جهت آشنایی با مارکسیسم نگاشته شده است. کتاب معروف ارنست مندل، "اثناشی با تئوری اقتصادی مارکسیسم" بیش از نیم میلیون نسخه بفروش رفت. همه جانبه بودن ارنست مندل از خصوصیات بر جسته شخصیت وی بود و بسختی می توان به مسائل و موضوعاتی در جنبش کارگری جهان در نیمه دوم قرن حاضر اشاره کرد که مورد نقد و بررسی ارنست مندل قرار نگرفته باشد.

آدرس گمیته های همبستگی کارگری

کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران
عنوانگ کنند: رضا مقدن
آدرس:

ICSIW, Box 6278
102 34 Stockholm
Sweden

کمیته کارگری ایران، آمریکا
عنوانگ کنند: علی مرادی
آدرس:

P.O. Box 241412
L.A. CA 900024
USA

کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش
عنوانگ کنند: مهدی آردی
آدرس:

L.A.S, Postfach 570
1151 Wien
Austria

کمیته همبستگی با کارگران ایران، فرانسه
عنوانگ کنند: نادریکشا
آدرس:

CSOI, Mr. Tary
P.R.
38 Bld. Strasbourg
France

کمیته همبستگی کارگری ایران - آلمان
عنوانگ کنند: بیژن بهزادی
آدرس:

Postfach 180 468
60085 Frankfurt/M
Germany

کمیته همبستگی کارگران ایران، دانمارک
عنوانگ کنند: آرنس

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد
عنوانگ کنند: بهزاد بارگاهی
آدرس:

ISASK, Box 4082
128 05 Bagis
Sweden

کمیته همبستگی با کارگران ایران اندیکستان
عنوانگ کنند: امانت کفا
آدرس:

ILSC, BM Box 1919
London WC1N 3XX
England

کمیته همبستگی کارگران ایران و فنلاند
عنوانگ کنند: علی خلی
آدرس:

Kuovikja 2A2
10320 Karjaa
Finland

کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا
عنوانگ کنند: حیدر محمودی
آدرس:

ICLSC, P.O. Box 1228
Stn. O Toronto
Ont. M4T 2P4
Canada

کمیته همبستگی کارگران ایران و ترکیه
عنوانگ کنند: رضا شهرستانی
آدرس:

Reza, Box 2020
136 02 Haninge
Sweden

(Fax: 46-53185272)

کمیته همبستگی کارگران ایران، دانمارک
عنوانگ کنند: آرنس

بین رفتن سیستم آموزش و بهداشت رایگان، نگرانیهای جدی ای مبنی بر بالا ورود سرمایه های خارجی و در کارخانجات آنها اوضاع بسرعت در حال تغییر است. در کارخانجات متعلق به سرمایه های خارجی ساعات کار از ۸ تا ۱۰ درصد است. بنابر گزارشات موجود سرمایه های تایوانی و هنگ کنگی پائین ترین دستمزدها را به کارگران خود می پردازند. کارگران بخش خصوصی تقریباً بطور شبانه روزی و بدون هیچ محدودیت زمانی کار می کنند. ساعت در روز به ۱۲ ساعت افزایش پیدا کرده است. دولت ویتنام با هدف جذب سرمایه های خارجی، قانون کار جدیدی را در شورای ملی این کشور در سال گذشته تصویب رساند که طبق در سال ۱۹۹۰ دولتی دستمزد در مراکز تولیدی کارگران ونزوئلا هم بازگشته است. از حق انتساب، حق تشکیل در محل کار، ۴۸ ساعت کار در هفته و حق تعلیم های خارجی داشتن در ماه از بالاترین حقوق صنفی نسبت

به کارگران بسیاری از کشورهای جهان سوم برخوردارند. اما با ورود سرمایه های خارجی به این کشور با آرامی و بدون خویزی در حال پیروزی است. ویتنام با نیروی کار تحصیل کرده، کارگران و ارزان خود، هزینه های کم تولید برای سرمایه های خارجی مانند یک معدن طلا شده است. احداث میدانهای گلف، هتل های لوکس و غیره در اطراف هانوی نشانگر هجوم سرمایه های خارجی به این کشور است. کارگران ونزوئلا هم بازگشته است. از حق انتساب، حق تشکیل در محل کار، ۴۸ ساعت کار در هفته و حق تعلیم های خارجی داشتن در ماه از بالاترین حقوق صنفی نسبت